

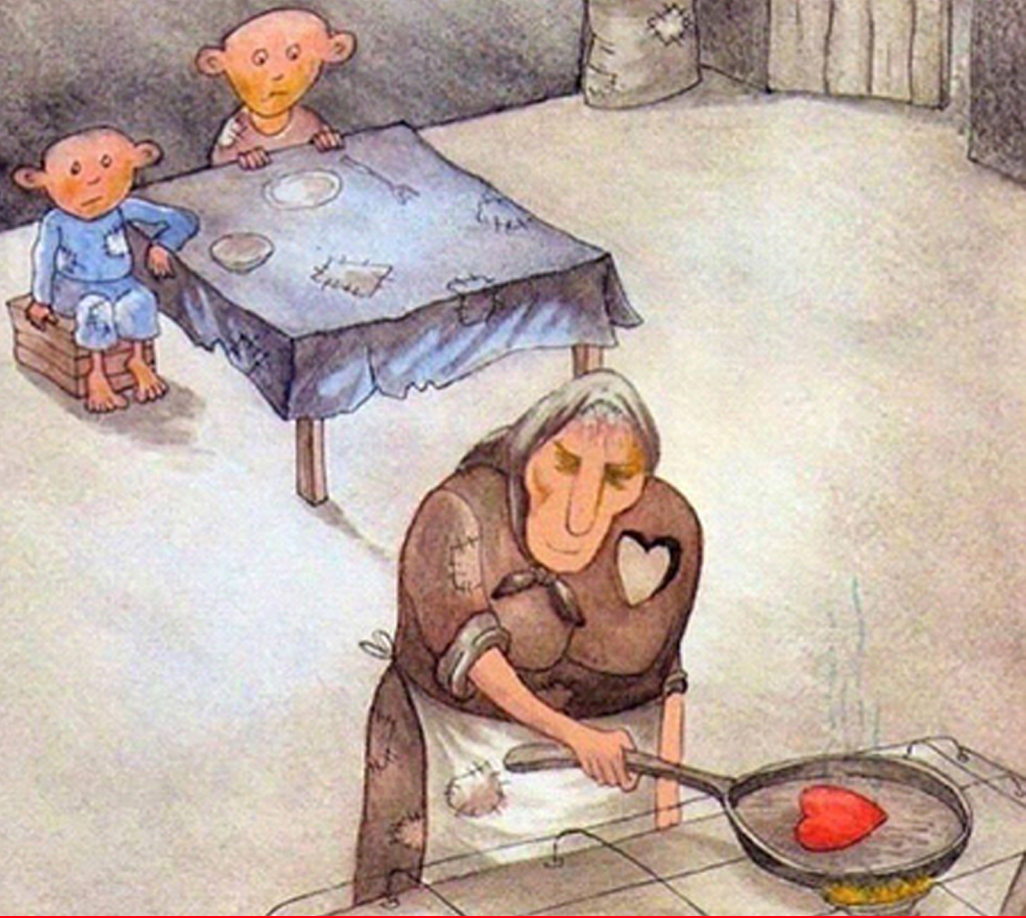
پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

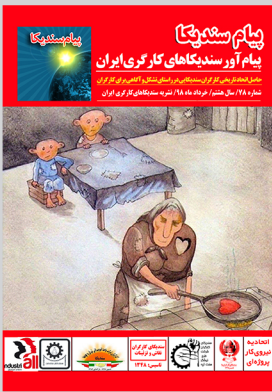
شماره ۷۸ / سال هشتم / خرداد ماه ۹۸ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۷۸ خرداد ۱۳۹۸ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از سراسر کشور ص ۵

شرکت رضاشاهی در پیش گنگره سندیکای فرهنگیان ص ۲۰

برگزاری روز جهانی کارگر در جهان ص ۲۴

مصاحبه رئیس تعاونی مسکن کارگران فلز کارمکانیک ص ۲۷

چگونه سازمان تامین اجتماعی را ورشکست کردند! ص ۲۹

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد ص ۳۱

بزرگداشت ۵۵ امین سال ساخت جان پناه کارگر ص ۳۲

سراینده سرود کوهنورد به تاریخ پیوست! ص ۳۳

خبری از مسابقات فوتسال کارگری ص ۳۵

جنبش جلیقه زردها چگونه آغاز شد؟ ص ۳۶

طبقه کارگر همچنان در حال تغییر دادن جهان است! ص ۳۷

تخته پرش نولیبرالیسم در ایران ص ۳۸

بمناسبت یکصدمین سال تأسیس سازمان بین المللی کار ص ۴۷

ویژگی های یک گوشنده کارگری! ص ۴۹

تلخ و شیرین های کاریم عاشقی ص ۵۱

آموزش های سندیکایی ص ۵۲

تاریخچه جنبش سندیکایی ص ۵۴

پیدایش حیات ص ۵۵

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

اعتراض حق ماست!

دوستان فدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال

همانگونه که اطلاع دارید به دعوت سندیکای کارگران شرکت واحد و فلزکارمکانیک ایران و دیگر تشکل‌ها تجمعی آرام به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در مقابل مجلس ایران صورت گرفت و متعاقب آن عده‌ای دستگیر شدند که هنوز تعدادی از آنان وضعیت نامعلومی دارند. حسن سعیدی، اعظم خضری، مرضیه امیری، ندا ناجی، عاطفه رنگریز، ناهید خداجو، فرهاد شیخی و نسرين جوادى، کیوان صمیمی، فرهاد شیخی از آن جمله‌اند.

همچنین برخوردهای امنیتی با دوستان سندیکالیست هفت تپه‌ای ادامه داشته و علی‌نجاتی به دادگاه فراخوانده شده است. این درحالی است که در چند روز اخیر فیصل‌تعالی، سید اسماعیل جعاوله، عادل سماعی، رستم عبدالله زاده و حسین انصاری کارگران هفت تپه‌ای در اعتراض به مشکلات کارگری به زندان برده شده‌اند. هر چند که از اسماعیل بخشی و سپیده قلیان نیز هیچ خبری در دست نیست.

در حال حاضر ۴ کارگری که به دعوت سندیکای ما در تیرماه سال گذشته در یک تظاهرات خاموش و با در دست داشتن آرم فدراسیون اینداستریال دستگیر و دادگاهی شده‌اند هنوز تعیین تکلیف نشده‌اند و مجید رعایایی و منوچهر سراج دیگر اعضای سندیکایمان، احکام نهایی‌اشان صادر نگشته است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از شما انتظار دارد چه در اجلاس پیش روی I.L.O و چه هم اکنون از ظرفیت‌های خود استفاده کرده و نقض‌خشن مقاوله‌نامه‌های پایه‌ای سازمان جهانی کار و از جمله مقاوله‌نامه‌های ۹۸ و ۸۷ را پیگیری کنید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸

بازداشت و زندانی کردن کارگران، معلمان، دانشجویان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد را محکوم می‌کنیم.

شش تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و دهها تن از دانشجویان مدافع حقوق کارگران و تعدادی از فعالین کارگری که برای شرکت در مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) ۱۱ اردیبهشت در مقابل مجلس بهارستان دست به تجمع اعتراضی زده بودند با خشونت شدید نیروی های انتظامی و عوامل امنیتی مواجه شدند و بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. و دهها تن از کارگران و دانشجویان و فعالین کارگری توسط مامورین امنیتی بازداشت شدند.

این برخوردهای امنیتی و پلیسی درحالی صورت می‌گیرد که کارگران به دلیل سقوط ارزش ریال در چندماه گذشته نزدیک به ۷۰ درصد قدرت خریدشان را ازدست داده اند و مسئولان اجرایی کشور بجای تدابیر اقتصادی برای کارگران درصدد خفه کردن صدای اعتراضاتشان هستند و این بگیر و ببندها نشانگر این است که هیچ برنامه ای برای برون رفت کارگران از شرایط سخت و اسفبار معیشتی مسئولان ندارند. درحالی که هر روز در کشور شاهد برملا شدن فساد گسترده مدیریتی و اختلاس های نجومی هستیم و کارگران روزانه سفره شان کوچک و کوچکتر میشود، سیستم قضائی پلیسی کشور اعتراضات کارگران به وضعیت اسفبار گرانی و اوضاع سخت معیشتی را جرم تلقی می‌کند و حتی تحمل برگزاری مراسم روز کارگر توسط کارگران را ندارد و با تمام امکانات درصدد خاموش کردن فریاد اعتراضات کارگران معلمان و دانشجویان است، بطوری که درسال جاری شاهد دستگیری های گسترده تر فعالین سندیکایی و کارگری و برخوردهای پلیسی و امنیتی با معترضین صنفی هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد هرگونه برخوردهای پلیسی امنیتی با کارگران و معلمان و دانشجویان را محکوم می‌کند و خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و تمام زندانیان صنفی و فعالان کارگری دربند می‌باشد، و تنها راه برون رفت از این اوضاع سخت معیشتی برای مزدبگیران را اتحاد کارگران و معلمان و دانشجویان در مطالبه محوری میداند.

سندیکای کارگران شرکت واحد

طبقه کارگر ایران از جنگ بیزار است! بیایید نگذاریم فرزندان زحمتکشان در معرض کشتار بی دلیل قرار گیرند!

رفقای فولادگر آمریکایی

دولت آمریکا در ماه ها و هفته های اخیر برخورد ها و سیاست خطرناکی را در رابطه با کشور ما در پیش گرفته است. دونالد ترامپ یکسال قبل با خروج از موافقتنامه برجام- که با تایید جهانی و شورای امنیت سازمان ملل امضا شده بود - و از سرگیری دوباره و گسترش تحریم های اقتصادی، مالی و بانکی در رابطه با ایران شرایط دشواری را برای زحمتکشان ایران و وضعیت تهدید آمیزی را در خاورمیانه رقم زده است. او درصدد تحمیل سیاست های ماجرا جویانه خود به نفع عده ای قلیل در آمریکا و سیستم سرمایه داری جهانی است.

این تحریم ها نه تنها جنگی خاموش علیه کارگران و خانواده های زحمتکشان ایران است بلکه همچنین جنبش مطالباتی مردم و مبارزه کارگران در ایران را ضعیف کرده و موجب به صحنه آمدن نیروهای تندرو در ایران خواهد شد.

آنچه در این میان جان فرزندان مردم آمریکا و ایران و زندگی همه ما را تهدید می کند افزایش تنش در منطقه و اعلام کشور ما ایران به عنوان هدف تهاجم نظامی بی توجیه از سوی ساکنان کاخ سفید است. ما مصمم به دفاع همه جانبه از صلح و مخالفت با یک جنگ جدید در منطقه خاورمیانه به هر دلیل و از سوی هر یک از طرفین می باشیم. کارگران منفعتی در این جنگ نخواهند داشت. با شلیک اولین گلوله منافع ملی واقعی و امنیت مردم هر دو کشور به خطر خواهد افتاد. فرزندان شما و فرزندان ما درگیر جنگی خواهند شد که فقط کنسرنها و انحصارهای اسلحه سازی جهان در کشورهای سرمایه داری از آن سود می برند و منافعی به جیب عده ای سودجو خواهد رفت و صلح جهانی و منطقه حساس خاورمیانه را با خطر روبرو خواهد ساخت. کافی است نظری به آمار کشته شدگان نظامی آمریکایی در افغانستان و عراق بیاندازیم.

پرسش اینجاست آیا مردم آمریکا با این جنگ‌ها از بیکاری نجات یافته‌اند؟ آیا سرانه بهداشت درکشورتان افزایش یافته است؟ یا اینکه کمپانی‌های اسلحه سازی، شرکت‌های سازماندهی ارتش‌های مزدور و خصوصی و تعلیم محافظان امنیتی از قبل درد و رنج و مصیبت شما و مرگ فرزندان تان به سودهای نجومی دست یافته‌اند؟ همین امر نیز به شکل‌هایی دیگر در کشور ما نیز مصداق دارد.

دوستان کارگر،

سندیکای ما بر آن است که سکوت ما نمی‌تواند گزینه‌ای عاقلانه و برخاسته از سنت‌های کارگری جهان باشد. بیایید دست‌درست یکدیگر در این مقطع زمانی نه تنها اجازه جنگی دیگر را در منطقه ندهیم بلکه از جان فرزندان خود و صلح جهانی محافظت کنیم.

همبستگی ما می‌تواند به دیگر اقشار و نیروهای اجتماعی هم قوت قلب بدهد که به جنبش صلحی گسترده بپیوندند و در ادامه مانع شروع يك جنگ خانمانسوز بشوند.

ما معتقدیم که صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی خواست همه زحمتکشان دنیا است. به ندای ما پاسخ مثبت دهید، به ما بپیوندید و با هرگونه راه حل جنگ طلبانه‌ای از سوی هر که باشد مخالفت کنید. بیایید هیولای جنگ را در ابتدای مسیر آن متوقف کنیم. ما با هم منافع یکسان و مشترك داریم.

صلح بر شما و بر جهان باد!

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۸

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- روز کارگر در ذوب آهن جشن گرفته نشد؟

هر ساله در ذوب آهن روز کارگر جشن گرفته می‌شود، اما امسال با توجه به اعتراضات کارگران و کارکنان در رابطه با تحت پوشش قرار نگرفتن سختی کار بخش‌های زیادی از ذوب آهن، دستمزدهای ناچیز در مقابل کارهای سخت، عدم اجرای طبقه بندی مشاغل، شرکتی بودن کارگران و متخصصین، شایع شدن بیماری سرطان در بخش‌های تولیدی و مرگ زودرس پس از بازنشستگی، بیماری‌های گوارشی به دلیل کیفیت بد غذا، و همچنین خدمات بی

کیفیت ارایه شده در رستوران ها، حمام ها، رختکن ها، سرویس های بهداشتی... مدیریت را وا داشت تا روز کارگر در نوب آهن جشن گرفته نشود. یکی از دلایل خشمگین بودن کارگران نوب آهنی ادعاهای سودآور شدن نوب آهن و عدم پرداخت پاداش های مناسب به کارگران در قبال سودآور کردن کارخانه است.

این درحالی است که در کارگاههای کوچکی که سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران نفوذ دارد کارفرمایان را واداشته است با پرداخت مبلغی به عنوان عیدی روزکارگر، بخشی از سودی که حاصل دسترنج کارگراشان است را پرداخت کنند ولی مدیریت نوب آهن از گرفتن یک جشن هم خوداری کرده است.

آنچه مسلم است اعتراضات کارگران نوب آهن در سال جاری گسترش خواهد یافت و نفوذ و اعتبار سندیکا در نوب آهن هرچه بیشتر خواهد شد.

۲- غذا یا زهرمار!!!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا موضوع پخت و توزیع غذا مشکل عمده کارگران نوب آهنی شده است.

۱- غذاهای ارایه شده نه تنها با کیفیت تر نشده اند بلکه هر روز از کیفیت آن کاسته شده و پیمانکاران مربوطه برای سودآوری هرچه بیشتر از کیفیت آن می کاهند.

۲- توزیع غذا بسیار دیر و سرد به دست کارگران می رسد که باعث بیماری های متعدد گوارشی گشته است به ویژه در شیفت ها این موضوع بیشتر

خودنمایی می کند. که البته در بازنشستگی خود را بصورت سرطان معده نشان خواهد داد.

۳- خوردن غذا با عجله و بی کیفیت از مواردی است که کارگران آن را «زهرمار» می نامند.

با اینکه از چند ماه قبل مدیریت با افتخار اعلام کرد که یکی از سر آشپزهای معروف تهرانی که در تلویزیون برنامه دارد مسوولیت با کیفیت تر کردن غذای کارگران و کارکنان ذوب آهن را بر عهده گرفته است اما آنچه کارگران هرروزه در بشقاب شان مشاهده می کنند غذای بی کیفیتی است که می خورند.

سخنی با کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

همکاران عزیز در طول ۴۰ سال اخیر حتی در زمان جنگ ۸ ساله وضعیت معیشتی و اقتصادی کشور در شرایط کنونی که دچار رکود؛ تورم؛ فاصله طبقاتی بدلیل رانت و تبعیض و فشار به اقشار آسیب پذیر به خصوص مزدبگیران و کارگران تا این حد نبوده است. ازطرفی کساد بی سابقه ای بر بازار کسب وکار کارگران را در شرایط ریاضتی قراردادده است که ناکارآمدی دولتهای چند دهه اخیر و دخالت نهادها در امور اقتصادی و ایجاد رانت و عدم نظارت بر فعالیت های آنها و پاسخگونی نبودن به نهادهای نظارتی دلیل تمام مشکلات مذکور است

جامعه کارگری این روزها مانند ادوار گذشته و دوران جنگ بیشترین فشارها و آسیبهها را از این سیاستها متحمل شده که حاصل آن مجبورکردن کارگران به واکنش و اعتراض است قانون کار ناقص کنونی که بدون سه جانبه گرایی مصوب شده برخلاف قوانین بین المللی کار هیچ حقی برای این گونه اعتراضات صنفی قابل نشده است. درنتیجه با هر واکنش اعتراضی و تجمعات برحق صنفی کارگران شاهد دستگیری؛ پرونده سازیهای امنیتی و قضایی مواجهه هستیم.

در شرکتی مانند نیشکرهفت تپه جهت سرکوب کردن اعتراضات شجاعانه اخیر باهدمستی مقامات دولتی و مدیریت اقدام به ایجادشورای اسلامی کار تحمیلی نمودند و افرادی را به عنوان نماینده کارگر در این تشکل مهندسی شده قراردادند تا منافع کارگران را با معاملات پنهانی و در خفا پایمال کنند (مانند لحاظ نکردن حقوق فروردین ماه درجدول زمانی که باعث شد عملاً یک حقوق عقب افتاده داشته باشیم). افرادی کم تجربه؛ ناآگاه به قانون و مذاکره اصولی و کم جرات که با کوچکترین تهدید کارفرما و مقامات امنیتی چندیست عرصه را خالی کرده و از زیرمسئولیت شانه خالی می کنند. این افراد باید به کارگران پیرامون شایعات اخیر و اینکه اگر معامله ای در کار نبوده است پاسخ دهند؛ چرا درمقابل قطع اضافه کاری نیروهای ستادی و پرونده سازیهای متعدد اخیر؛ ممانعت از همسان سازی مزایای کارگران قدیم و جدید (مانندحق شیفتی ۳۰ درصد؛ ایاب و ذهاب؛ سختی کار؛ حق همسر) سکوت اختیار کرده اند و دنبال این هستن دکه خودشان آسیب نبینند! چرا با قبول این مسئولیت و مشروعیت دادن به فعالیت مجدد شورای نا کارآمد مانع پیگیری جمعی کارگران برای مطالبات خود شده اند!؟

دوستان و همکاران کارگر، توجه داشته باشند با شدیدترشدن فشارمضاعف تحریمی شرایط تولید نیز سخت ترخواهد شد و کارفرما بجای گرفتن یارانه بخش تولید و معافیت ها به سراغ سفره و جیب کارگرخواهد آمد و سفره های ما را کوچکترخواهد کرد که نمونه بارز آن دو بخشنامه ای است که جهت لغو اضافه کاری نیروهای ستادی صادر کرده است.

بباید با گذر از این نمایندگان خاموش و بی خاصیت که در خواب اصحاب کفی قرار دارند مقاومت نشان داده و از نیروهای ستادی حمایت کنیم که فردا دیراست و به سراغ ما خواهند آمد.

در پایان اگر کارفرما به فکر کاهش هزینه هاست چرا با آوردن این همه بازرس و مشاور فرتوت و مریض الحال که بجز تعداد محدودی جز ایجاد بروکراسی طویل و پیچیده هیچ سود دیگری جز بارمالی ندارند و با این اقدامات، کارگران را دچار اعتصاب پنهان می کنند آیا نمی توانستند با ایجاد انگیزه در کارگران بالا رفتن بهره وری و افزایش تولید را در پیش بگیرند.

به قلم یکی از همکاران هفت تپه ای

اعتصاب در عسلویه!



در فاز ۱۴ شرکت های زیرمجموعه ی کارفرما ایدرو.آی پیمان هنوز عیدی و حقوق اسفند پرداخت نشده و به همین دلیل کارگران اعتصاب کردند. با این اعتصاب شرکت تناوب ۵۰ درصد حقوق اسفند را به کارگران پرداخت کرده است.

به مدیریت این شرکت ها حقوق ماهانه اشن به موقع پرداخت می شود و وقتی به کارگران میرسند می گویند کشور تحریم و بی پول است.

امروز یکی از کارگران در هنگام اعتصاب به رییس کارگاه گفت: خانواده هایمان در حال از هم پاشیده گی است این چه مسلمانی است که کار کنیم ولی پولمان را ندهید....

اعتصاب شرکت های آی جی سی، احداث، تناوب، پایندان و کلن فاز ۱۴ را در بر خواهد گرفت.

در ایران خودرو چه می‌گذرد؟



ایران خودرو

۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا تولید از سال قبل تاکنون به یک سوم خود رسیده است. وضعیت تولید به دلیل نبود قطعات الکترونیکی، باتری، سپر، و دیگر لوازم به صورت ناقص در پارکینگ شرکت دیو می‌شوند. با یک باتری بیش از ۱۰۰ اتومبیل تست می‌شوند خط تولید کامیونت دانگ فنگ از دو هفته پیش تعطیل گردید.

متأسفانه وضعیت دریافتی کارگران تعریفی ندارد. مبلغ آکورد تعلق گرفته به کارگران از ۵ سال قبل تاکنون افزایشی نداشته است. همچنین از سال ۸۷ تاکنون به جای کارگران بازنشسته هیچ کارگری استخدام نشده و تک و توکی استخدامی هم اگر انجام گرفته بیشتر روی روابط خاص بوده است. کارگران که به مرز بازنشستگی از سال قبل تاکنون رسیده اند به دلیل عدم پرداخت ۳ درصد سختی کار این کارگران به تامین اجتماعی توسط کارخانه ایران خودرو تاکنون بازنشسته نشده اند و همچنان به سرکار می‌روند. تامین اجتماعی به شرکت خبر داده است که دیگر کارگران شرکت را با بیش از ۳۰ سال بازنشسته نخواهد کرد و بازنشستگانی که به دلیل عدم پرداخت سختی کار

مجبورند همچنان به سرکار بروند در سوابق شان بیمه ای اشان منعکس نخواهد شد .

۲- قراردادهای کارگران کارخانه ایران خودرو

قراردادهای کارفرمای ایران خودرو با کارگرانش هم هر ششماه یکبار تجدید می شود تا اگر کارگری دست به فعالیت های کارگری زد بتوانند او را به راحتی از محیط کار دور کنند. قراردادهایی که در ۴ نسخه تهیه می شد برای اجحاف بیشتر به کارگران در یک برگ تهیه و نزد کارفرما باقی می ماند و بازرسین وزارت کار هم به این خلاف چشم پوشی می کنند. همچنین کارگرانی که باید بعد از سه سال کار مداوم در شرکت مطابق آیین نامه رسمی شوند بیش از ۱۵ سال است که منتظر عملی شدن این خواست هستند و مدیریت ایران خودرو هم از آن تخطی می کند. سالهاست کارگرانی که اقدام به تحصیل کرده اند و یا از قبل تحصیل کرده بودند مدارکشان در سوابق اداری و کاری اعمال نمی شود تا حقوقشان افزایش یابد و وزارت کار هم کماکان چشم های خود را به این خلاف آشکار و طبقه بندی نکردن کارگران ایران خودرو بسته است.

اعتصاب در ایران مال

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا کارگران شرکت ایران مال به دلیل دریافت نکردن حقوق خود از بهمن ماه تاکنون و همچنین پرداخت نشدن عیدی و پاداش سال ۱۳۹۷ روز چهارشنبه گذشته در محوطه این شرکت اعتصاب کردند. همچنین پیمانکاران این کارگران اعتصابی نیز از کار خلع ید گردیدند.

همچنین به کارگرانی که در این اعتصاب شرکت نکرده بودند ۱ میلیون و پانصد هزار تومان علی الحساب بابت حقوق های عقب افتاده از بهمن ماه تاکنون پرداخت گردید.

از بیمارستان امام خمینی کرج چه خبر؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا وضعیت مالی این بیمارستان هر روز وخیم تر می گردد و از سال گذشته اعتراضات کارکنان این بیمارستان شدت بیشتری یافته است. کارکنان درمانی این بیمارستان به ۳۰ درصد دوسال پیش رسیده است. پزشکان، پرستاران، کارگران خدماتی این بیمارستان به دلیل پرداخت نشدن حقوق شان دست از همکاری با این بیمارستان کشیده اند. بیش از یکسال است که حقوق کارکنان را مرتب نداده اند و به تازه گی هم بیمار هم برای بستری قبول نمی کنند

شنیده ها حاکی از آن است که بیمارستان امام خمینی کرج را می خواهند تبدیل پاساژ کرده و آن را بفروشند.

روز کارگر به روایت کارگران

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در کارخانه سیم و کابل همدان با بیش از ۱۰۰ کارگر روز کارگر در کارخانه تعطیل بود ولی کارگران در روز قبل با پخش شکلات این روز را به هم تبریک گفتند.

در کارخانه گنده له سازی بافق یزد نه تنها روز کارگر تعطیل نبود و ۱۲۰ کارگر به سرکار رفتند بلکه کارگران به دوستانی که برای جشن روز کارگر تلاش می کردند چنین می گفتند: «آخه روز کارگر جشن داره که ما بگیریم ما باید عزاداری کنیم» «روز کارگر نداریم روزمون کجا بود» این کارگران از سال ۱۳۹۶ تاکنون با حقوق سال ۱۳۹۵ کار می کنند و کارفرما اضافه حقوق را اعمال نمی کند و اداره کار هم چشم پوشی می کند به این بی قانونی.

از شرکت ماموت چه خبر؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا اوضاع در شرکت ماموت بهبود یافته است. شرکت ماموت سازنده کانتینر در جاده کرج به قزوین واقع شده است. در دو سال قبل بیش از ۴۰۰ کارگر خود را اخراج نموده بود ولی با اتفاق ناگوار زلزله در کرمانشاه و فروش بی سابقه کانتینر به مناطق زلزله زده رونقی دوباره یافت و نه تنها کارگران به کارخانه بازگشتند بلکه با خوب شدن وضع مالی، شرکت ماموت دست به استخدام کارگران جدید زد.

در ۱۵ اردیبهشت مدیریت به مناسبت روزکارگر به هر خانواده ۷۰۰ هزار تومان بن خرید کالای ورزشی اهدا کرد که خانواده ها به همراه فرزندان شان برای خرید به فروشگاه ورزشی در کرج مراجعه کرده و خرید خود را انجام دادند.

با دستمزدی ۸ ساعت کار باید یک خانواده ۴ نفره کارگری را اداره کرد.

این حق ماست!

بیمه کشاورزی سدی غیر قابل عبور!

کشاورزانی که سخت ترین روزهای همر خود را تجربه می کنند از بیمه کشاورزی نیز محرومند. بیمه شدن کشاورز در حال حاضر سخت ترین راه با بروکراسی حاکم بر کشور می باشد. برای بیمه شدن یک کشاورز صدها مشکل پیش پایش می گذارند. بزرگترین مشکل بیمه شدن کشاورزان موضوع مالکیت حداقل پنج هکتار زمین مزروعی با سند مالکیت است. تازه کشاورز پس از طی نمودن هفت خان باید به تناسب اقلیم هر منطقه کشاورزی هر سال حداکثر هفت ما بیمه شوند و این موضوع برای کارگران بخش کشاورزی وخیم تر شدن موضوع درمان در زمان پیری می باشد و اگر هم موفق به گذر از مشکلات بیشمار شوند با حداقل حقوق بازنشستگی مواجه می شوند که بخور و نمیری حقیرانه در زمان سالمندی است. بر همین اساس هست که کشاورزان در کهنسالی محکوم به تکدی گری و حاشیه نشینی و گذران مابقی عمر در فقر مطلق می شوند و متاسفانه سرمایه داران خصوصا تازه به دوران رسیدگانی که خود را وصل نظام نموده اند و سهمی از غارت منابع مالی و ملی را به خود اختصاص دادند از این موقعیت ناهنجار کشاورزان سواستفاده نموده و با مبالغی اندک املاک آنها را تصاحب نمودند و با احداث ویلا و مراکز گردشگری سودهای کلانی را به جیب می زنند.

سیاوش روستایی

● میزان فوق العاده ای که برای کار در ایام تعطیل رسمی باید پرداخت شود چقدر است؟

◆ کار در روز تعطیل رسمی، از همان ساعت اول بعنوان اضافه کار تلقی و برای هر ساعت آن فوق العاده ای معادل ۴۰٪ اضافه بر مزد هر ساعت کار عادی باید پرداخت شود. بدیهی است چنانچه بر اساس عرف و روال کارگاه فوق العاده اضافه کار پرداختی در روز های تعطیل رسمی بیش از میزان اخیرالذکر بوده باشد، عرف و روال مذکور کماکان معتبر و لازم الرعایه می باشد.

بازنشستگان صندوق آینده ساز چه می خواهند؟



کانون بازنشستگان صندوق آینده ساز پیش تر تعامل سازنده و قابل قبولی با آقای «ثابت» رئیس کل وقت صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز داشت. تفکر غالب در آن مقطع انجام اصلاحات بود و ما به واسطه «خردورزی» و «تدبیر» به نتایج خوب و امیدوار کننده دست یافتیم. نارضایتی ها، اساساً از وقتی شدت گرفتند که افراد فاقد صلاحیت، در این صندوق بازنشستگی مسئولیت پذیرفتند و سیاست «تفاهم» با سیاست «تقابل» معاوضه شد. کسانی که هیچ گونه رویکرد دلسوزانه و تجربه تخصصی مفید و قابل قبول نداشتند صرفاً باهدف دستیابی به منافع قابل توجه از دارایی های ما، در صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز مسئولیت مدیریتی پذیرفتند. همین کجروی های، نفع طلبانه و ویرانگر، گروه اقلیت حاکم بود که زمینه مناسب را برای گسترش تعارضات و نیز کشمکش های اجتناب ناپذیر فراهم کرد و ما دیدیم غیر از تجمعات اعتراض آمیز برای بهبود اوضاع راهکار دیگری وجود ندارد.

اکثریت بازنشستگان ستم دیده صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز، نه فرصت طلب هستند و نه آشوبگر. آنان نگران آینده مبهم و تاریک خود هستند. متأسفانه اذعان می دارم که تا اندازه زیادی در تحکیم و تثبیت پایه های این صندوق بازنشستگی نقش داشته ام. حالا از کرده خویش بسیار پشیمانم و فکر می کنم که در گذشته زمینه ساز رفاه و آسایش گروه معدودی انسان عوام فریب بوده ام.

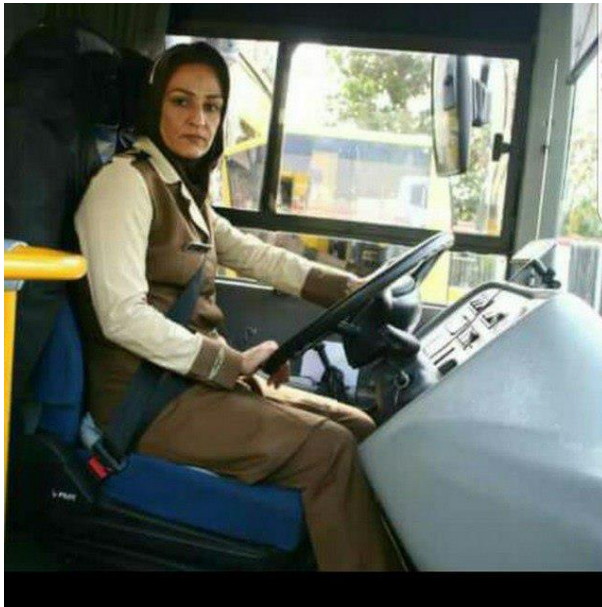
پیگیری مسایلی مانند:

- ۱) ترمیم اساسی مستمری بازنشستگان ستم دیده،
 - ۲) اصلاح و بهینه سازی اساسنامه کهنه و پوسیده،
 - ۳) بهینه سازی خدمات درمانی،
 - ۴) اتصال به بدنه دولت و جلب حمایت های آن،
 - ۵) اجرای قوانین کار و تامین اجتماعی،.
 - ۶) شفاف سازی عملیات اقتصادی،
 - ۷) انجام حسابرسی،
 - ۸) نیز حضور بازنشستگان، در ارکان تصمیم گیری های این صندوق بازنشستگی،
- و مواردی از این قبیل را به هیچ وجه نمی توان فرصت طلبی و منتقدان را آشوبگر تلقی کرد.
- برعکس معتقدم فرصت طلبان کسانی هستند که، دیگران را بازی دادند و از این طریق، به نان و نوا رسیدند و حالا دیگر، در قبال وضعیت اسفناک صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز و سرنوشت بسیار غم انگیز اعضای آن پاسخگو نیستند.

● با ۲۵ سال سابقه کار و ۵۰ سال سن می توان بازنشسته شد؟

◆ با ۲۵ سال سابقه و ۵۰ سال سن نمی توان بازنشسته شد. با ۵۰ سال سن، حداقل ۳۰ سال سابقه بیمه پردازی لازم است.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



۱- خانم فرحناز شیرینی اولین راننده زن در شرکت واحد و از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد ۹ سال است که بدون هیچ دلیل قانونی و فقط به دلیل زن بودن از کارش اخراج گردیده و در طی این ۹ سال سه بار از ادارات کار و دیوان عدالت اداری، بالاترین مرجع تصمیم گیری رای بازگشت بکار گرفته که همچنان کارفرما با استفاده از روابط فراقانونی از شروع بکارش جلوگیری کرده است.

خانم شیرینی یکبار در سال ۹۲ توانست با رای صادره به مدت نزدیک هفت ماه به سرکارش برگردد که مجدداً توسط کارفرما بازم بدون هیچ مستندات قانونی از کارش اخراج گردید. هرچند که این راننده توانست مجدداً دوبار دیگر از دیوان عدالت اداری رای بازگشت بکار بگیرد اما نامبرده در ۹ سال گذشته بطور مرتب در راهروهای اداره کار و وزارت کار و دیوان عدالت اداری همچنان سردرگم و بلا تکلیف هستند. در آخرین پرونده ای که این راننده زن در مراجع قانونی به جریان انداخته است قرار است که بزودی مجدداً در مورد دادخواهی ایشان رای صادر شود.

۴ عضو دیگر سندیکا، رضاشهابی و حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و حسین کریمی سبزواری سالهاست که به دلیل فعالیت های سندیکایی اخراج شده اند و بلا تکلیف مانده اند

۲- برای عدم پاسخگویی جهت مشکلات فنی و کمبود قطعات کولر اتوبوس ها معاونت تعمیرگاه سامانه یک، رانندگان زحمتکش را مقصر می شمارد.؟

در مصاحبه اخیری که مدیرعامل شرکت واحد با رسانه (عصرشهروند) بتازگی داشته اند، تاکید زیادی بر این داشتند که اتوبوس های خط بی آرتی تماماً میبایستی با کولر روشن جهت رفاه حال مسافران و شهروندان در خطوط تردد نمایند و اگر اتوبوسی از لحاظ کولر و تهویه هوا نقض فنی دارد باید سریعاً توسط عوامل فنی رفع عیب شود.

هرچند که رانندگان، هم برای رفاه حال مسافران و اینکه گرمی هوای داخل اتوبوس ها تنشی بین مسافرین و رانندگان بوجود نیآورد، در همه ی سالها از کار با اتوبوس هایی که مشکل کولر و تهویه هوا دارند خوداری کرده اند. اما متأسفانه با گزارشی که از رانندگان سامانه یک به سندیکای کارگران شرکت واحد ارسال شده است، معاون انتصابی تعمیرگاه (دکتر مهندس آقای خلیج) بجای

رفع عیب این گونه نواقض، برای اینکه آمار اتوبوس های متوقفی تعمیرگاه را کمتر از رقم واقعی نشان دهد و رضایت مدیرعامل و مدیر مربوطه را داشته باشد، گویا کمبود تسمه و قطعات مربوط به کولر اتوبوس ها را به عوامل مافوق خود گزارش نمی دهد، در عوض با برخورد نامناسبی با رانندگانی که کولر اتوبوس هایشان مشکل دارد برخورد میکند و حتی رانندگان را متهم به اینکه تسمه کولر را خودتان از بین برده اید، می کند. تا بلکه رانندگان دیگر مجبور شوند با اتوبوس های فاقد کولر کار کنند و به تعمیرگاه مراجعه نکنند. این نوع برخورد و رفتارها از مسئولین تعمیرگاه نه تنها باعث هزینه های بیشتر برای اتوبوس ها دارد، بلکه نارضایتی رانندگان را دربر دارد و حتی باعث تنش و سلب آرامش روحی و روانی و احتمال بروز اتفاقات ناگواری در حین رانندگی برای شخص راننده می شود.

سکوت و عدم برخورد مقامات بالا دستی، با تخلفات اینگونه مسئولین از گذشته تا به حال برای تعدادی از رانندگان و زحمتکشان این سامانه سوال ایجاد مینماید که چرا کمبود قطعات و کم کاری و ناکارآمدی مسئولین تعمیرگاه ها را باید رانندگان شرکت واحد پاسخگو باشند در صورتی که راننده برحسب وظیفه اش حق ندارد با اتوبوس هایی که مشکل فنی دارند کارکنند و این درقانون راهنمایی و رانندگی هم لحاظ شده است. باگذشت هفت ماه از استقرار مدیریت جدید سامانه یک متأسفانه شاهد عدم برخورد ایشان، با عوامل زیر مجموعه خود در سامانه میباشیم.

◆ مدارک لازم جهت معرفی به کمیسیون پزشکی: ۱- ارائه ی درخواست کتبی، مبنی بر شرکت در کمیسیون پزشکی ۲- ارائه ی اصل شناسنامه ی عکسدار، دفترچه ی درمانی و یک قطعه عکس، به شعبه ۳- ارائه ی تصویر خلاصه پرونده پزشکی (در صورت وجود) و یک نسخه ی گواهی از پزشک معالج ۴- ارائه ی مدارک درمانی توسط بیمه شده، به شعبه ۵- اخذ فرم "نمونه یک" جهت تعیین میزان از کار افتادگی از شعبه و ارائه آن، به پزشک معالج، جهت تکمیل آن.

گزارشی از شرکت رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در پیش‌کنگره سندیکای فرهنگیان فدراسیون متحده سندیکایی - اف.اس.او



رضا شهابی در روز ۱۵ مه ۲۰۱۹ در نشست پیش‌کنگره سندیکای فرهنگیان اف.اس.او. در مقر سندیکا در پاریس شرکت کرد. در ابتدا برنایت گروآزون دبیرکل سندیکا با ابراز خوشوقتی از این آشنائی، به معرفی رضا شهابی و سوابق مبارزاتی او پرداخت و در ادامه بر اهمیت همبستگی بین‌المللی از مبارزات کارگران در ایران و سندیکاهای مختلف و به ویژه سندیکای واحد و معلمان تاکید کرد.

سپس رضا شهابی رشته سخن را به دست گرفت. او با سپاسگزاری از رابطه فیما بین و از همبستگی و پشتیبانی چند ساله سندیکای اف.اس.او از مبارزات کارگران و معلمان ایران در راه کسب حقوق اولیه خود، اظهار امیدواری کرد که این همبستگی‌ها همچنان ادامه یابند. رضا در ادامه به شرح و خشونت ماموران انتظامی در روز اول ماه مه و دستگیری‌ها پرداخت. به زندانی بودن کارگران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران نظیر حسن سعیدی، عاطفه رنگریز، دانشجو، مرضیه امیری، نسرين جوادی، ناهید خداجو، ندا ناجی، کیوان صمیمی اشاره کرد. همچنین از سپیده قلیان و اسماعیل بخشی نام برد. او به شماری از معلمان بازداشت شده در روزهای اخیر از جمله اکرم نصیریان، عادل عساکره،

یاسر امینی آذر، ماهر دسومی، ناجی سواری و علی عبیدای اشاره کرد. شهابی در ادامه از محمد حبیبی، محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، روح اله مردانی، عبدالرضا قنبری، عطاله حسنی، محمدعلی زحمتکش، معلمانی که به زندان طویل المدت محکوم شده اند، نام برد.

آنگاه نوبت میشل اولیویه از بخش بین الملل سندیکا و عضو کلکتیو سندیکای فرانسه رسید. او گزارش مختصری درباره فعالیت های کلکتیو درباره ایران و نقش سندیکای فرهنگیان اف. اس در آن ارائه داد.

در پایان در طی نشست با شرکت اودیل کورڈلیه، مسنول بخش بین المللی سندیکا، میشل اولیویه از بخش بین الملل سندیکا و عضو کلکتیو سندیکای و الکساندرا بوژانیک از بخش بین المللی و رضا شهابی گفتگویی دوستانه و مفید در رابطه با فعالیت سندیکای و همبستگی سندیکای معلمان با جنبش کارگری و جنبش معلمان در ایران و مطالبات صنفی آن ها انجام شد.

این دیدار که حدود سه ساعت به درازا کشید با خواست و تأکید مسنولان سندیکای معلمان فرانسه و نیز سندیکای بین المللی معلمان بر ادامه تماس بین فرهنگیان ایران و اروپا، بر همبستگی متقابل و لزوم تداوم فعالیت های کلکتیو سندیکای و نقش سندیکای معلمان در آن، پایان گرفت.

متن سخنرانی رضا شهابی در کنگره فدراسیون ت.ژت

با درود های فراوان، رفقا و دوستان

من رضا شهابی هستم. عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و از ایران در جمع شما حاضر شده ام. ابتدا باید اعلام کنم که از اینکه امروز در پنجاه دومین کنگره سندیکای شما شرکت می کنم افتخار می کنم و از طرف سندیکای خودمان برگزاری کنگره تان را به شما تبریک میگویم.

رفقا! در حالی که از حضور در جمع شما خوشحالم اما نمیتوانم در جمع شما که دوستان من هستید از نگرانی ام نگویم. در این لحظه و این روزها من

شدیدا نگران دوست و همکار سندیکایم حسن سعیدی هستم که چند روز پیش با هم دستگیر شدیم اما او کماکان در زندان است. من شدیدا نگران دیگر دوستان و کارگران و دانشجویایی هستم که تنها به دلیل شرکت در تجمع مسالمت آمیز روز جهانی کارگر دستگیر شده اند.

رفقا، سال پیش بنا به آمار رسمی در ایران ۱۷۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری و حقوق بگیران اتفاق افتاده است. یعنی بیش از چهار و نیم اعتراض و اعتصاب در روز؛ این اعتصابات در هفت تپه و اهواز و اراک و سایر نقاط کشور انعکاس گسترده ای در سراسر ایران داشته و از همبستگی بازنشستگان، معلمان و دیگر بخش های جنبش کارگری برخوردار شده بود.

امروزه مسئله داشتن تشکل های مستقل کارگری در ایران به امری فوری تبدیل شده است و مورد توجه پیشروان کارگران قرار گرفته است ولی حاکمیت ایران هرگونه اقدام کارگران برای تشکل یابی را مورد حمله و سرکوب قرار میدهد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بعنوان قدیمی ترین سندیکای موجود در این راه مبارزه ی جانانه ی را به پیش برده و اعضای ما هزینه های سنگین را برای آن پرداخته اند. از جمله آقایان ابراهیم مددی و داود رضوی هر کدام به پنج سال زندان محکوم شده اند. آقایان حسن سعیدی، ناصر محرم زاده، حسین کریمی و خانم فرحناز شیرینی بیش از ده سال است به خاطر تشکیل سندیکا و حق خواهی از کار اخراج شده اند.

من خودم بیش از شش سال از عمرم را در بدترین شرایط در زندان گذرانده ام و بیش از ده سال است که به علت فعالیت سندیکایی از کار اخراج شده ام. شاید باور نکردنی به نظر برسد اما در ایران و همین چند روز قبل ما به خاطر برگزاری تجمع بزرگداشت روز اول ماه مه به همراه بیش از ۳۰

نفر از دیگر کارگران و فرزندان آنها که دانشجو بودند دستگیر شده و مورد ضرب و شتم قرار گرفتیم و من تا پنج روز پیش در زندان بودم. الان نیز با تودیع کفالت ۲۰۰ میلیونی آزاد و در کنار شما حاضر شده‌ام. همینطور لازم است اشاره کنم که دو تن از بازداشت شدگان در اعتراضات کارگران هفت تپه در جنوب ایران به نام های آقای اسماعیل بخشی و خانم سپیده قلیان نیز کماکان در شرایط اسف باری محبوس هستند.

دوستان و رفقای حاضر در کنگره! سندیکای شما نامی آشنا در جنبش کارگری و سندیکایی ایران است. سندیکای شما با دستاوردهای بزرگ کارگران و حقوق بگیران فرانسه عجین شده است. سندیکای شما در عرصه همبستگی بین المللی نیز پیش قدم و موثر بوده است.

کلکتیو سندیکاهای فرانسه از جمله س ژ ت زحمات زیادی را برای دفاع از فعالان سندیکایی ایران از جمله حمایت از خود من متحمل شده است. این کلکتیو و نحوه همکاری رفیقانه آن با فعالان سندیکایی ایران تبدیل به مدلی برای دیگران شده است. ما به این همبستگی در سایر کشورها احتیاج داریم

در پایان صحبت‌م اشاره ای هم به موضوعات جهانی و منطقه ای کنم: ما کارگران با جنگ افروزی های دولت های سرمایه داری در جهان و مخصوصا در خاورمیانه مخالفیم. تهدید نظامی و تحریم جز خراب تر کردن وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان ایران، عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، فلسطین و... ندارد. ما کارگران به پشتیبانی هیچ یک از بلوک های سرمایه داری توهم نداریم بلکه به همبستگی کارگران و حقوق بگیران جهان احتیاج داریم و نهایتا آرزوی دارم که این کنگره و نتایجش در مبارزه شما نقشی مفید ایفا کند

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر

برگزاری روز جهانی کارگر در جهان

امسال نیز مثل هر سال زحمتکشان جهان روز اول ماه مه، را به مناسب روز جهانی کارگرجشن گرفتند و همبستگی خود را با یکدیگر و اعتراض خود را به نظام سرمایه‌داری ناعادلانه، اعلام کردند و خواستار کار و زندگی بهتر شدند.

در آتن و چندین شهر دیگر یونان، زحمتکشان و بازنشستگان به دعوت سازمان‌های کارگری، از جمله جبهه سراسری کارگران مبارز (PAME) به خیابان‌ها آمدند و در راهپیمایی خود خواستار لغو همه قوانین ضدکارگری و ضدمردمی، پایان دادن به سیاست‌های ریاضت اقتصادی، افزایش دستمزدها، و تأمین معیشت مردم شدند.

در پاریس و لیون و استراسبورگ (فرانسه)، تجمع زحمتکشان و معترضان به سیاست‌های ریاضتی ماکرون، از جمله جلیقه زردها، با خشونت پلیس روبرو شد که از گاز اشک‌آور برای مقابله با تظاهرکنندگان استفاده کرد.

در هاوانای کوبا امسال نزدیک به یک میلیون نفر در راهپیمایی روز جهانی کارگر در شرکت کردند و ضمن محکوم کردن محاصره اقتصادی ده‌ها ساله کوبا، به دخالت‌های آمریکا در ونزوئلا اعتراض کردند. این مراسم چند ساعت پس از زمانی برگزار شد که دونالد ترامپ کوبا را تهدید به اعمال «محاصره همه‌جانبه و حامل» کرد مگر آنکه دست از حمایت از ونزوئلا بردارد.

در جاکارتا اندونزی روزنامه‌نگاران با زدن ماسک‌هایی با نقش خون روی آنها، اعتراض خود را به محدودیت‌های دولتی ابراز کردند، و هزاران کارگر شرکت کننده در راهپیمایی خواستار افزایش حداقل مزد، تأمین بهداشت و درمان عمومی و رایگان، و بهبود شرایط کار در کشور شدند.

در سنول کره جنوبی، کارگران عضو کنفدراسیون سندیکاهای کارگری کره خواستار بهبود شرایط کار و حقوق کارگران شدند. روی پلاکاردهای آنها نوشته بود: "اتحاد و مبارزه" و "پیروز باد مبارزه برای دستمزدهای بهتر".

در بیشکک قرقیزستان زحمتکشان در تظاهراتی که حزب کمونیست قرقیز سازماندهی کرده بود با در داشتن پرچمهای سرخ و عکسهای لنین شرکت کردند.

در مسکو نیز هزاران تن از زحمتکشان و اعضا و هواداران حزب کمونیست فدراسیون برای بزرگداشت روز جهانی کارگر در میدان سرخ گرد آمدند.

در داکا (بنگلادش) زنان کارگر خواستار شرایط بهتر کار، مرخصی زایمان، دستمزدهای بهتر، و مقابله با اذیت و آزار جنسی شدند.

در آنکارا و استانبول و ازمیر ترکیه، تظاهرکنندگان به سرکوب سندیکاهای کارگری و نقض حق اعتصاب زحمتکشان اعتراض کردند. در کنار سندیکاهای کارگری، حزب کمونیست ترکیه از مهم‌ترین سازمان‌دهندگان راهپیمایی‌های روز جهانی کارگر در ترکیه بود. شعار اصلی مراسم امسال اول ماه مه در شهرهای ترکیه، مخالفت با قوانین ضدکارگری حزب حاکم عدالت و توسعه از جمله کاهش پرداخت بیمه بیکاری و سنوات خدمت بود.

در الجزیره پایتخت الجزایر، کارگران با سر دادن شعارهای ضددولتی، به بیکاری گسترده و فقر موجود در کشور اعتراض کردند.

در هنگ‌کنگ جمعی از کارگران ساختمانی، راننده، خدمتکار خانگی، و دیگر کارگران مهاجر از فیلیپین و اندونزی برای دفاع از حقوق خود در راهپیمایی روز کارگر شرکت داشتند.

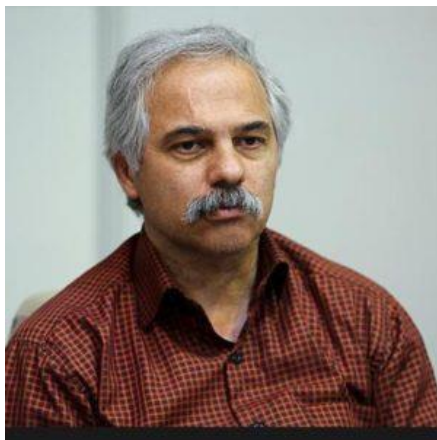
در بغداد، هواداران حزب کمونیست عراق به خیابان‌ها آمدند. زنان از شرکت کنندگان فعال در راهپیمایی امسال روز جهانی کارگر در بغداد بودند. "تأمین وام برای زنانی که شغل آزاد دارند، زندگی شایسته برای کودکان، تأمین اشتغال برای زنان، و ایجاد و توسعه اقتصادی بهتر برای همگان" از خواست‌های زنان در این راهپیمایی بود.

در بیروت هواداران حزب کمونیست پارچه نوشته بزرگی را با خود حمل می‌کردند که روی آن نوشته شده بود: "متحد شویم". تظاهرکنندگان در شعارهای خود اعتراضشان را به شرایط وخیم اقتصادی کشور ابراز کردند.

در راهپیمایی روز جهانی کارگر در شره یانگون در میانمار (برمه) کارگران کارخانه‌ها در صفوف منظم شرکت کردند و خواستار تأمین و تضمین حقوق بهتر برای کارگران شد. روی یکی از پلاکاردهای کارگران نوشته شده بود: "دولت باید پیمان‌های سازمان جهانی کار را به صورت قانون درآورد و تضمین کند".

با توجه به اینکه روز جهانی کارگر ریشه در تظاهرات اعتراضی کارگران آمریکایی در شیکاگو دارد، ولی در آمریکا و کانادا روز اول ماه به طور رسمی به عنوان روز جهانی کارگر شناخته نمی‌شود و در عوض اولین دوشنبه ماه سپتامبر- که به طور معمول روز پایان تعطیلات تابستانی محسوب می‌شود- روز کارگر تعیین شده است. با وجود این، فعالان کارگری و سندیکایی، و نیروهای سیاسی، در روز اول ماه نیز مراسم ویژه یا راهپیمایی‌هایی را تدارک می‌بینند. امسال نیز چنین تجمع‌هایی در نیویورک و شیکاگو و چندین شهر دیگر آمریکا و نیز در تورنتو و مونترآل و چند شهر دیگر کانادا برگزار شد.

مصاحبه مازیار گیلانی‌نژاد رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک با خبرنگاری ایلنا



تاخیر ۱۰ ساله در تحویل مسکن مهر کارگران

رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک عنوان کرد: بعد از ۱۰ سال هیچ کدام از اعضای تعاونی ما از طریق پروژه مسکن مهر پرند خانه‌دار نشده و بعضا مجبور شده‌اند امتیاز خود را با قیمت ناچیز واگذار کنند.

مازیار گیلانی‌نژاد (رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک) در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: با کلید خوردن طرح مسکن مهر در سال ۸۶ اعضای تعاونی ما نیز جزو کسانی بودند که برای دریافت خانه ثبت‌نام کردند و قرار شد در شهر پرند حدود ۵۰ واحد مسکونی به آنها تحویل داده شود.

او ادامه داد: پروژه‌های مسکن مهر پرند مدت‌هاست که متوقف شده و با گذشت بیش از ۱۰ سال از آغاز طرح، هنوز هیچ واحد مسکونی به اعضای تعاونی ما تحویل داده نشده است.

گیلانی‌نژاد عدم تخصیص بودجه و نبود مدیریت مناسب را دلیل این تاخیر دانست و گفت: در ابتدا قرار بود با مبلغ ۹ میلیون تومان واحدهای مسکونی مسکن مهر پرند را به اعضای تعاونی ما واگذار کنند. این ۹ میلیون تومان اکنون به چیزی حدود ۴۰ میلیون تومان رسیده است، یعنی آورده هر فرد باید ۴۰ میلیون تومان باشد تا در فهرست دریافت قرار گیرد و مابقی پول به صورت قسطی پرداخت شود.

او ادامه داد: به‌رغم این افزایش قیمت همچنان پروژه مسکوت مانده است. البته کل پروژه مسکن مهر پرند متوقف شده و کار پیشرفتی ندارد. به این ترتیب در تمامی این سال‌ها هیچ کدام از اعضای تعاونی ما خانه‌دار نشده و بعضاً مجبور شده‌اند امتیاز خود را با قیمت ناچیز واگذار کنند.

رئیس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک تصریح کرد: این اتفاقات در شرایطی رخ داده که در قرارداد تنظیم شده، زمان تحویل مسکن دو ساله قید شده و حتی بندی به این اختصاص یافته است که در صورت بدعهدی و تاخیر در تحویل باید خسارت پرداخت شود اما نه تنها زمان تحویل و پرداخت؛ خسارت رعایت نشده است که سال به سال نیز با افزایش قیمت واحدهای مسکونی و عده داده شده روبه‌رو بوده‌ایم.

او با بیان اینکه به جز عدم رعایت مفاد قرارداد از طرف پیمانکار، یکی دیگر از دلایل مهم تاخیر در تحویل واحدهای مسکن مهر تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک، انتخاب غیر کارشناسی اراضی است، عنوان کرد: بعضی از اراضی انتخاب شده در گودال قرار دارند و در ساخت آنها مشکلاتی در آبرسانی و فاضلاب و ... به وجود می‌آید.

به گفته گیلانی‌نژاد اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک در مراجعه به پیمانکار جواب درستی دریافت نمی‌کنند. این پروژه مدت‌ها طول کشیده، حال آنکه یک خانه عمر مفید مشخصی دارد و برای مثال ۲۰ تا ۳۰ سال قابل استفاده است. همین حالا حدود یک دهه از آغاز ساخت برخی از واحدها گذشته و اگر وضع به همین ترتیب پیش برود عمر مفید ساختمان‌ها کاسته می‌شود.

چگونه سازمان تامین اجتماعی را ورشکست کردند!

مدتهاست که مسوولین از ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی سخن می گویند اما از دلایل این ورشکستگی حرفی نمی زنند. سازمان تامین اجتماعی نهادی است مستقل و متعلق به کارگران که از زمان رضاخان با قران قران کارگران راهسازی که راه آهن شمال را می ساختند شکل گرفت. بیش از ۸۰ سال است که در این صندوق اندوخته های کارگران به ثروتی عظیم تبدیل شده است و به همین دلیل چشم طمع محمدرضا شاه و دولت های پس از انقلاب بارها باعث ناخنک زدن به این ثروت گردیده است.

در خبرها آمده بود که صندوق تامین اجتماعی با وام گرفتن از بانک ها مستمری کارگران را در شب عید ۹۷ پرداخت کرده است در حالی که خود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان از دولت طلب دارد. اینکه چرا همه دولت ها از زمان آقای رفسنجانی تاکنون بدهی خود را به تامین اجتماعی را نمی پردازند و سود بانکی این بدهی چگونه از جیب کارگران به یغما می رود خود داستان مفصلی است. عمده دلایل ورشکستگی تامین اجتماعی به شرح زیر است:

۱- مدیریت نالایق و سیاست های همسو با کارفرمایان یکی از دلایل عمده این ورشکستگی است. عدم حضور نماینده واقعی کارگران در هیات مدیره و شفاف نبودن عملکرد مدیران این سازمان به ویژه در بخش مالی و عدم تحقیق و تفحص از این سازمان ثروتمند و حضور مافیای در این صندوق برای پیراهه بردن منابع مالی، درمانی، اقتصادی و همراه شدن با سیاست های خائمان برانداز نئولیبرالیستی دستور داده شده توسط صندوق بین المللی پول برای نابودی این سازمان و به غارت بردن ثروت کارگران و در نهایت خصوصی کردن درمان از آن جمله اند تا خانواده های کارگری بیشتری بمیرند.

۲- در گام دوم برای نابودی این صندوق سیاست گذاری ها برای به ورشکستگی کشاندن صندوق در دولت و مجلس اتخاذ می شود که از جمله الف) لغو قانون اجباری بیمه شدن هر کارگر در هر واحد تولیدی و خدماتی ب) لغو کارگاههای ۱۰ نفر از شمولیت قانون کار به ویژه بیمه کردن کارگران ج) سپردن کار به شرکت های تامین نیروی انسانی (برده داری نوین) که آنها هم بدون هیچگونه نظارتی کارگران را بیمه نکرده و یا لیست بیمه کارگران را یکی در میان به تامین اجتماعی رد می کنند د) لغو شمولیت قانون کار در مناطق آزاد تجاری و باز گذاشتن دست کارفرمایان برای دست اندازی به حقوق کارگران به ویژه بیمه نکردن کارگران در مناطق نفت خیز.

۳- لغو بازرسی های دوره ای از کارخانه ها و شرکت ها و بویژه زیر میزی گرفتن بازرسین بیمه برای چشم پوشی کارگران بیمه نشده.

۴ - عدم نظارت دقیق بازرسین بیمه و خود وزارت کار در مورد دریافتی کارگران. بیشتر کارگران ایران حتا با سابقه ۲۵ سال هنوز با حداقل حقوق قرار داد بسته و لیست بیمه اشان به همین ترتیب ثبت می شود و باعث کاهش دریافتی حق بیمه تامین اجتماعی می گردد.

۵ - اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل در واحدهای بزرگی چون ذوب آهن ، فولاد، معادن، خودروسازی ها، صنایع نفت، صنعت حمل و نقل تا هم کارگران حقوق بیشتری بگیرند و هم درصد حق بیمه ای به تامین اجتماعی با افزایش روبرو گردد.

۶ - یکی از مواردی که همدستی وزارت کار و مدیران تامین اجتماعی و کارفرمایان را نشان می دهد ندادن ۳ درصدی حق سختی کار کارگران به تامین اجتماعی است. در ذوب آهن و ایران خودرو سختی کار کارگران را در زمان بازنشستگی به صندوق تامین اجتماعی می پردازند یعنی ۲۰ سال این درآمد هنگفت را مدیران تامین اجتماعی با آگاهی کامل چشم پوشی می کنند.

۷ - سود سالانه ۱۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی با سود ۷ درصد سالیانه می شود ۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان در سال که از جیب کارگران به یغما می رود.

۸ - مجموعه بزرگ کارخانه های شستا با مدیران نالایق و سیاست گذاری های احمقانه با آگاهی کامل رو به نابودی است و این منبع مالی با دارا بودن کارخانه هایی که با گران ترین قیمت به تامین اجتماعی فروخته شده و با گزاردن مدیران بی عرضه به تلی از آهن و خاک تبدیل شده سپس به قیمت ارزان به سرمایه داران فروخته می شود که به این گونه مدیریت باید آفرین گفت.

۹ - دادن معافیت های دوره ای به کارفرمایان و بخشیدن بدهی آنان از حاتم بخشی های سالیان دراز مدیریت تامین اجتماعی از جیب کارگران است.

کافی است تمامی این موارد که در قانون اساسی در اصل ۳ رعایت شده است با لغو بخش نامه های خانه خراب کن وزارت کار و مجلس اجرایی شود که نه تنها صندوق تامین اجتماعی ورشکست نمی شود بلکه می تواند به قراردادی که با بیمه شدگان خود بسته است عمل کرده و صفر تا صد تعهدات درمانی کارگران را پوشش دهد و احتیاجی به بیمه تکمیلی هم نباشد و مستمری شایسته ای هم به بیمه شدگان خود اختصاص بدهد.

تامین اجتماعی در اسناد سازمان ملل متحد

اصل ۵۵ منشور به سازمان ملل متحد مأموریت داده است تا برای ارتقای سطح زندگی و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی فعالیت کند. بر همین اساس سازمان در سال ۱۹۴۲ در سانتیاگو پایتخت شیلی کنفرانس بین المللی تامین اجتماعی را برگزار کرد و توصیه هایی به منظور تعمیم و توسعه تامین اجتماعی ارائه داد. در همین راستا- اعلامیه جهانی حقوق بشر که از ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ - از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد صادر شد در ماده ۲۲ خود اصلی را مقرر می دارد که بر طبق آن هر کس به عنوان عضوی از جامعه حق برخورداری از تامین اجتماعی را دارد. ماده ۲۳- این اعلامیه بر حق کار حق به دست آوردن درآمد منصفانه حق عضویت آزاد در سندیکاها و اتحادیه ماده ۲۵- اعلامیه نیز مقرر می دارد هر کس حق دارد از سطح زندگی مناسبی برای تامین بهداشت و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی مناسب برخوردار باشد. همچنین به هنگام بیماری، بیکاری، طلاق و پیری یا دیگر شرایطی که فرد به عللی خارج از اراده انسان از وسایل امرار معاش محروم می شود باید از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود و اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، پیری، بیکاری و از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی و حوادث و سوانح نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت ها از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکایک افراد کشور تامین کند.

پیش به سوی احیای سندیکاها و اتحادیه کارگری

با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی تهران

بزرگداشت ۵۵ امین سال ساخت جان پناه کارگر



۵۵ امین سال ساخت جان پناه کارگر با حضور گروه کوهنوردان فلزکار و دیگر کوهنوردانی که از کرج، تهران، شهریار و گیلان حضور داشتند با یک دقیقه سکوت برای پاسداشت سازندگان این جان پناه آغاز شد.

همنوردان گرد هم آمده با خواندن سرود و شعر و سخنرانی در مورد چگونگی ساخت این جان پناه سنگی در قله ۴۰۰۰ متری مراسم را ادامه دادند.

با درود به یاد جاودانه اسکندرصادقی نژاد، جلیل انفرادی، ناصرگارسچی، سازندگان جان باخته و آرزوی طول عمر برای محمدحسین خوان یغما بنیان گذار گروه کوهنوردان فلزکار در سال ۱۳۴۲ مراسم پایان یافت.

سراینده سرود کوهنورد به تاریخ پیوست!



مصطفی منتظم سندیکالیست، کوهنورد، و شاعر خوش قریحه درگذشت. مصطفی منتظم کارگر جوارب بافی، عضو سندیکای کارگران بافنده و فعال سیاسی قبل و بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد بود. او با تجربه تلخ شکست جنبش آزادیخواهی سرود کوهنورد را، سرود.

کوهنورد محکم باش، پیروز پاینده باش

چون قله ها سرسخت و محکم بر حوادث باش

مصطفی منتظم از بنیان گزاران سازمان کوهنوردی تنسینگ هیلاری در سال ۱۳۳۴ بود. سرود کوهنورد که متعلق به این گروه بود با انگیزه صعود

زمستانی برای نخستین بار به علم کوه و تشکیل کانون کوهنوردان تهران مورد علاقه کوهنوردان قرار گرفت و در کنگره کوهنوردی ایران در سال ۱۳۳۴ نماد و سرود کوهنوردان شد.

مصطفی منتظم نه به خاطر سرودن سرود کوهنورد و یا صعودهای سخت به کوه، مورد احترام کوهنوردان بود، بلکه انسان دوستی، اخلاقی خوش، داشتن آرمان های اجتماعی و انسانی از او کوهنوردی با اخلاق ساخته بود و به همین دلیل مورد توجه و احترام جامعه کوهنوردی قرار داشت.

گروه کوهنوردان فلزکار فقدان این کوهنورد با اخلاق و انسان گرا را به خانواده و کوهنوردان ایران تسلیت می گوید.

مصطفی منتظم عزیز،

سروده ات بدرقه راهت باد.

رو در کوه و صحرا

جسم و جان بیارا

بین آبشار زیبا را

گروه کوهنوردان فلزکار

۱۳۹۸/۳/۴

ورزش حق همه کارگران است!

خبری از مسابقات فوتسال کارگری



در مسابقات فوتسال کارگری شهر ساوه، تیم فوتسال سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ساوه نیز حضور دارد. این مسابقات در محل سالن ورزشی کارخانه شن سایی ساوه برگزار می‌شود. در تاریخ ۳۱ اردیبهشت تیم فوتسال سندیکا به مصاف تیم فوتبال بشکه سازی رفت و نتیجه را واگذار کرد.

عکس قبل از مسابقه گرفته شده است.

با آرزوی تندرستی برای همه کارگران باید از حق ورزش کردن کارگران در کارخانه ها دفاع کرد.



جنبش جلیقه زردها چگونه آغاز شد؟

پریسیلیا لودسکی اکتیویست فرانسوی، ۲۹ می ۲۰۱۸ با انتشار یک دادخواست آنلاین در رابطه با "نیاز به کاهش نرخ های مالیاتی بر روی کالاهای اساسی، کاهش نرخ کرایه و حق دسترسی به مسکن" تاریخ ساز شد. بیش از یک میلیون شهروند فرانسوی دادخواست او را امضا کردند که امری بی سابقه بود. چند ماه بعد او و اریک دروت از مردم خواستند تا در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ به خیابان ها بپرزند. این سرآغاز و یا جرقه‌ای شد برای یکی از طولانی ترین جنبش های تاریخ معاصر در دنیا؛ جنبش جلیقه زردهای فرانسه.

آری، طبقه کارگر همچنان در حال تغییر دادن جهان است!

از همان زمان که جنبش سندیکایی انگلستان دوره‌ای طولانی از "آرامش کارگری" نسبی را در زمان حیات کارل مارکس می‌گذراند، به اصطلاح "کارشناسان" در هر فرصتی که یافته‌اند مدعی مرگ طبقه کارگر انقلابی شده‌اند. تردیدی نیست که تاکتیک‌ها و استراتژی‌های مبارزات طبقه کارگر مطابق با زمان تغییر می‌کند.

فراز و نشیب در میزان سازمان‌یافتگی و پیکارجویی ناگزیر است. ولی زندگی خودش بهترین پاسخ به این ادعاست که کارگران از مبارزه برای تغییرهای اجتماعی دست برنداشته‌اند.

برای نمونه، نگاهی بیندازیم به مقطعی بسیار کوتاه از زمان، یعنی به آنچه در یک سال اخیر گذشت. سندیکاهای سودان نقشی برجسته در خیزش کنونی علیه استثمارگران و حاکمان نظامی سرکوبگر کشور دارند. الجزایر نیز شاهد مشارکت عظیم طبقه کارگر در پیکاری مشابه با زحمتکشان سودانی در راه تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی است.

شماری از بزرگترین اعتصاب‌های توده‌بی دهقانی و کارگری در تاریخ هند علیه رژیم بنیادگرای هندوی نازندرامودی صورت گرفت. جنبش "جلیقه زردها" در فرانسه آن کشور را تکان داده است و حکومت ریاضت محور ماکرون را وادار کرده است که در چندین مورد عقب‌نشینی کند.

در آمریکای لاتین، اگرچه حزب‌های راست‌گرا در چندین انتخابات پیروز شدند، اما کارگران در جمع‌های عظیم در خیابان‌ها حضور دارند. حتی در قلب امپریالیسم، معلمان و کارگران غذاخوری‌های زنجیره‌یی (فست فود) آمریکایی در سراسر کشور دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند.

هیچکس نمی‌تواند برآمد نهایی این رودرویی‌ها را پیش‌بینی کند، یا بگوید که آیا این حرکت‌ها به پیکاری اصیل و حقیقی برای قدرت گرفتن کارگران خواهد انجامید. ولی این نمونه‌ها و نمونه‌های دیگر نشان می‌دهد روح مقاومت طبقه کارگر همچنان با قوت زنده است.

تخته پرش نولبرالیسم در ایران

برخی کارگران جوان می پرسند: چرا انقلاب کردید؟ وضع که بدتر از زمان آن دیکتاتور شده، اگر آن زمان حزب فقط رستاخیز بود، امروز هم حزب فقط حزب اله است. تازه دیکتاتوری به استبدادی بدون قانون برای کارگران و حقوق بگیران بدل شده است. کارگران این تولید کنندگان نعمات مادی برای دریافت حقوق توافق شده اشان از هیچ قانونی نمی توانند با وجود تعدیل ساختاری و خصوصی سازی بهره گیری کنند. ولی در عوض زندان و شلاق را پیش روی هر اعتراض آرام خود دارند. ولی دلال ها که هیچ نقشی در تولید ندارند جز یک مدیریت به کلی رشوه ده و رشوه گیر فاسد ویا به نام مدیریت "جهادی" کیفیت را فدای کمیت و سرعت می کنند و فاجعه به وجود می آورند. مانند پروژه سد گتوند و انفجارهایی که در برخی پالایشگاه ها پس از به خط تولید رسیدن به وجود آمده و منابع ملی و کارگران را قربانی نموده اند. مدیریتی که معیارهای آن بر اساس ترفند های متعددی است تا از زیر بار یک کیفیت پذیرفته شده و استاندارد شانه خالی کنند. از سوی دیگر حقوق کارگران را به موقع پرداخت نمی کنند، بیمه آنها را پرداخت نمی نمایند و حداکثر ساعات کار بیش از ۸ ساعت کار قانونی را از گرده ی کارگران می کشند(در مناطق آزاد تجاری - صنعتی با قراردادهای موقتی.) با وجود این شیوه های غیر قانونی که در ایران به نام " قانون" کاربردی می گردد!!! و اختلاس های نجومی که به وسیله این جماعت سوداگر عملی شده است، ایران از بحران بیرون نخواهد آمد. در شرایط کاربردی کردن مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی امکان توسعه صنعتی و بهبود شرایط زندگی برای مولدان اجتماعی امری غیرممکن است. همه ی این روند ارتجاعی و ویرانگر اقتصادی، در حمایت بدون چون و چرا حاکمیت قرار دارد. به این دلایل کارگران از روی ناچاری و به دلیل قانون زدایی دولت های پس از جنگ از بازار کار، به نفع واسطه های کار، مجبورند زیر حداقل حقوق بدون بیمه و بازنشستگی و خدمات درمانی کار کنند. به خصوص در مناطق آزاد تجاری و صنعتی و در کارگاه های زیر ده نفر که در همه جای ایران از شمول قانون کار به همت رهبر اصلاح طلبان خاتمی، مدعی گفتگوی به اصطلاح " تمدن ها " در واقع گدایی رابطه با امپریالیسم، خارج شده است. چرا با این انقلابی که کردید، همه قوانینی را که کارگران طی چند نسل با چنگ و دندان از حلقوم سرمایه داری سلطنتی بیرون کشیده بودند، وارونه نموده اند؟ چرا روحانیونی که مدعی انقلابیگری بودند و می باید سرشان در میان کتاب و باور به معنویت الهی باشند، کارخانه دار و شرکت های بین المللی تجاری را هدایت می کنند؟!

رابطه دین سیاسی با بازار، تجارت، سرمایه داری، اختلاس های نجومی و فقر در حال توسعه و بیکاری در حال گسترش در کجاست.

پاسخ غیرطبقاتی برای این پرسش ها و ده ها پرسش دیگر، نمی تواند همه واقعیت ها را روشن کند. و درواقع وجود ندارد. از سوی دیگر، برای یک پاسخ علمی، زمینه یک شناخت طبقاتی در میان جامعه استبداد زده نمی تواند وجود داشته باشد. به خصوص با این تبلیغات وسیع ضد چپ در ایران که هر ننه قمری برای خودنمایی و مطرح کردن خود، سرفحاشی را به قدیمی ترین نیروهای چپ ایران که هزاران اعدای و هزاران زندانی را از مشروطه تا به امروز به ملت بزرگ ایران تقدیم نموده اند، می کشند. و حتی برخی چپ های آن سوی آب هم، که تظاهر به دموکراسی و تریبون آزاد " چپ " می کنند، هم چون گروه " اخبار روز"، به نام آزادی، این تحریف ها را منتشر می کنند ولی مطالب این چپ ها را که بزعم آنها، ارتدوکس هستند، منتشر نمی کنند و کار سانسور چپان شاهی و فعلی را راحت تر کرده اند و به کلی مطلب را دور می اندازند. در هر صورت، من تلاش کردم پاسخی در حد بضاعت م، به علت عمده و ریشه ای این وضعیت و برخی از این پرسش ها بدهم. امیدواریم شما هم در این مورد به کارگران یاری بنمایید.

یکی از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردمی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در ایران، یک کتابچه نوشته ای، به نام " قانون اساسی جمهوری اسلامی " است، که در آن تاکید شده بود، این انقلاب نه سوسیالیستی است و نه سرمایه داری؛ بلکه عدالت اجتماعی الهی. یا به اصطلاح حکومت مستضعفین است. که می باید برخلاف نظام سلطنتی دارای چند هدف بزرگ و انسانی باشد. (استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تحت نام جمهوری اسلامی، برای همه). زیرا مردم ایران با همه وجودشان نقش جنایت کارانه سرمایه داری جهانی از انقلاب مشروطه تا به امروز را، در وابسته کردن اقتصادی، نظامی و سیاسی ایران به کمک عوامل فراماسیونرش در میان طبقه ی مالکان زمین، تجار و سرمایه داران به استعمار و امپریالیسم جهانی را به قیمت کشتار جوانان مبارز ایرانی، دریافته بودند. از این رو اولین شعارشان " استقلال" از این ساختار متجاوز و استثمارگر بود. آنها باور داشتند ایران با توجه به منابع بی شمارش می تواند بر پای خود بایستد و توسعه علمی - صنعتی بیابد، مشروط بر این که قدرت در دستان فرزندان راستین انقلاب، کارگران ایران و روشن اندیشان آنها قرار گیرد، نه با کمک ترفند های جهانی سرمایه، در دستان طبقه متوسط فرصت طلب سوداگر قرار گیرد. از سوی دیگر به دفعات بهار آزادی از مشروطه به این سو را تجربه کرده بودند و شاهد تاریخی اتحاد نظامیان ایران برای سرکوب ملت

بوده اند. ابتدا قزاقان وطنی و قزاقان استعمار روسیه تزاری به رهبری لیاخوفِ مزدور، که با به توپ بستن اولین مجلس مشروطه، آزادی و مشروطه در ایران را در هم شکستند و پس از پیروزی استبداد، بهترین فرزندان آزادیخواه ایران زمین را قتل عام نمودند. (به کتاب انقلاب مشروطه ایران اثر کسروی مراجعه گردد). پس از این جنایت، مبارزه سوسیال دموکرات های آزادیخواه ایرانی و مقاومت در برابر اتحاد نظامیان قزاق و نیروهای استعمار روسیه تزاری انقلاب مشروطه را به پیروزی رساند. (مشروطه دوم) اراده ی راسخ مردم مبارز ایران، برای آزادی، مشروطه کردن سلطنت و قانون مندی نظام، بر روی مبارزات مردم آسیا و روسیه تزاری تاثیرات مثبتی به جا گذاشت و آنها را به عنوان مردمی خواهان قانون و آزادی به همه مردم دنیا معرفی نمود. ولی باز اتحاد نظامیان به رهبری رضاخان قزاق و امپریالیسم و استعمارگر بزرگ تاریخ بشری، انگلیس، شکل گرفت. که دستاورد بزرگ انقلاب مشروطه آزادی سیاسی در ایران را که با قیام مسلحانه سوسیال دموکراسی ایران به دست آورده بودند، که پس از دموکراسی سرمایه داری غربی در دنیا اولین جنبش مردمی برای آزادی و قانونمداری جامعه بود؛ با ماده ۱۰ رضاخانی به دیکتاتوری بدل کردند و آزادیخواهان را روانه زندانهای قرون وسطایی سلطنت طلبان نمودند، تا در آنجا با آمپول هوا به قتل برسند. (به کتاب ایران بین دو انقلاب اثر آبراهامیان استاد فعلی دانشگاه های آمریکا مراجعه گردد). دور بعدی این اتحاد شوم، پس از کودتای مشترک آمریکا، انگلیس و فرانسه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عملی شد (به کتاب کودتا، و ایران بین دو انقلاب آبراهامیان مراجعه گردد) پسر ارشد رضاخان راه پدر را رفت و در کتابی که به نام او، برایش نوشتند. اعلام نمود "مردم ایران آمادگی دموکراسی را ندارند" در حالی که مادران و پدران همین مردم و در سال های ۱۹۰۳ اوایل سده بیستم میلادی و پیش از انقلاب بزرگ اکتبر به این سو، در آسیا اولین کشوری بودند که به دموکراسی با مشت مسلح و پولادین ملت پیوستند و اختناق و استبداد سلطنتی قاجار را به گورسپردند. ولی این دیکتاتور خون ریز حزب فقط حزب رستاخیز را، در اواسط قرن بیستم با تکیه به یک ارتش نیرومند آمریکایی به مناسبات ایران تحمیل کردند و همه دیدند این دیکتاتور خون آشام چگونه و برغم کمک امپریالیسم آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه با چشمان سراسر اشک از ایران به زباله دان تاریخ پیوست. با توجه به این واقعیت های تاریخی شعار دوم مردم ایران " آزادی" بود. و باتوجه به ادعاهای رهبری روحانیون که اعلام کرده بودند: قصد به دست گرفتن قدرت سیاسی را ندارند، و اهرم های حاکمیت را به نهضت آزادی سپرده بودند. مردم به جمهوری اسلامی رای دادند. آن هم مشروط به چند اصل قانون اساسی که به منافع مردم

ایران پرداخته و دولت منتخب را متعهد به کاربردی کردن آن ها کرده بود. اصولی که نوع مناسبات اقتصادی ایران را راه رشد غیر سرمایه داری اعلام نموده است. اصل های ۳۰، ۳۱، ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی.

اصل ۳۰: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش می دهد".

اصل ۳۱: "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند".

اصل ۴۳: "برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود: ۱ - تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش وامکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. ۲ - تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا همراه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق در آورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. ۳ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خود سازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴ - رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری ۵ - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام. ۶ - منع اسراف و تبذیر در همه شیون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات. ۷ - استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور. ۸ - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. ۹ -

تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خود کفایی برساند و از وابستگی برهاند".

اصل ۴۴: " نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، و تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلامی خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می کند".

انقلابی که مردم ایران پس از ۲۰ سال دیکتاتوری رضا میرپنج ضد مشروطه، از قزاقان سرکوب کننده انقلابیون مشروطه خواه و ۳۷ سال دیکتاتوری فرزند کودن و سرسپرده به امپریالیست ش پس از مبارزه ای خونین به پیروزی رساندند، دارای این درون مایه مردمی بود که در این چند اصل قانون اساسی تبیین یافته اند و در معرض نگاه مردم جهان قرار گرفتند. ساختار استبدادی سلطنت که با یاری آمپول هوای رضاخانی و کمیته های مشترک ساواک محمدرضاشاهی، با دار و درفش و شکنجه و کشتارهای مردم مبارز در ایران، بیش از نیم سده عملی شده بود، ولی با همه توان نظامی ش نتوانست در قبال اراده ی مردم دوام بیاورد و برای همیشه به زباله دان تاریخ پیوست. زیرا، اراده ی مردم فراتر از هر نیروی نظامی و کشتار جمعی است. این واقعیت را تاریخ به دفعات اثبات نموده است. انقلاب مردم دارای چنین درون مایه و سرشتی بود، که در چند اصل قانون اساسی اعلام شده است. و بدین گونه با این اصول های خدشه ناپذیر، راه رشد اقتصادی ایران را، راه رشد غیر سرمایه داری تعیین کرد و مالکیت عمومی بر منابع و ثروت های ایران را در اختیار دولتی منتخب نه انتصابی یک فرد یا یک گروه قرار داد. نه واگذاری به مشتکی دلال. استقلال و آزادی های سیاسی در ایران را، مردم این گونه پذیرفته بودند و مهر تایید زدند.

ولی امروزه برخلاف این اصل های قانون اساسی که هنوز در متن نوشته ی، این قانون موجود است و از کتاب قانون اساسی ظاهرا حذف نشده است، ولی در عملکردهای دولت ها، به کلی حذف شده اند. زمان جنگ به بهانه وضعیت جنگی و امروزه به نام تعدیل ساختاری و خصوصی سازی. سرمایه داری برای تغییر اصول قانون اساسی و دور زدن آن، در واقع تغییر راه انقلابی مردم ایران، نیازمند ترفندی عامه پسند بود، تا بتوانند مردم مبارز را که فاقد یک شناخت طبقاتی از مبارزه هستند، دیگر بار مسخ کنند، تا مجدداً به دام سرمایه داری بیندازند. از این رو سرمایه داری جهانی، همه امکانات جهانی ش را برای این هدف به کار گرفت و عوامل ش در ایران را بسیج کرد، این ساختار بیمار و ضد انسانی با سواستفاده از شعار های تند مشتی افراد بی خبر از محتوای و ماهیت سیاست های جهانی در حاکمیت ایران، که در عین حال، اهرم های قدرت را با کمک و تایید چهار کشور بزرگ امپریالیستی آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه به دست گرفته بودند، و جاه طلبی مستبد دیگر منطقه صدام، جنگ ایران و عراق را به راه انداختند و ۸ سال دو کشور نیرومند منطقه را به خون کشیدند و شرایط مناسب را، برای حرکت بعدی عوامل خود در ایران فراهم نمودند. از سوی دیگر چماق داران متعصب ضد دگراندیش، به سبک شعبان بی مخ محمدرضاشاهی در خیابان های ایران میدان داری می کردند و گروه های سیاسی را که طبق همین قانون اساسی فعالیت داشتند، به زیر ضربه می گرفتند، تا خشم آنها را تحریک کنند و وادار به واکنشی تند بنمایند. که متأسفانه گروه های جوان به دام افتادند و آنهایی را که در این دام گرفتار نشدند، با یک برچسب جاسوسی سرکوب کردند. در نهایت کشتار چپ ایران آغاز شد. ایران باز شاهد کشتار و به بند کشیدن فرزندان راستین ش گردید. مرحله سوم راهی شدن اقتصاددانان های نولیبرالیسم تحت عنوان مشاوران ارشد اقتصادی به درون حاکمیت بود. البته با تظاهر به نگرش دینی. بدین گونه جاده را برای سرمایه داری نولیبرالی آماده نمودند. ولی کار چندان ساده نبود اصول قانون اساسی با همه ضعف هایش مانعی بزرگ برای نوکران سرمایه داری جهانی بود. باید راهی را می یافتند که صدای خیل مردم با نگرش دینی را با خود همراه کنند. آن هم با سرمایه داری از نوع دلالی (مالی) که می باید از آستین و عبای یک روحانی بیرون می آمد تا شکی ایجاد نکند. کاندید امپریالیسم جهانی با کمک نهاد بزرگ مالی اش صندوق بین المللی پول، از آستین اولین ریاست جمهور پس از جنگ بیرون آمد. ولی باز امکان عملی شدن آن ساده نبود. برای تغییرات یا دور زدن قانون اساسی بر امکانی می باید تکیه نمود تا مردم با اعتقادات دینی، بویی از این بازگشت به سرمایه داری را نبرند. سال

۶۸ با شعارهای بی‌خبران خیابانی و طرح استبداد دینی، که قانون اساسی با اصل سوم بند ۶ آن را نفی نموده بود؛ آغاز شد.

اصل سوم قانون اساسی

بند ششم: "محو هر گونه استبداد و خود کامگی و انحصار طلبی"

شعار ولایت مطلقه فقیه در سطح جامعه شرایط را برای خیز بلند سرمایه داری و به دست گرفتن قدرت، و تغییر مناسبات اقتصادی قانون اساسی کشور آماده نمود. در شکل و فرم هیچ تغییری روی نداد. هم چنان روحانیون در قدرت بودند ولی این دستان صندوق بین المللی پول و مشاوران اقتصادی معروف شان چون نیلی ها و غنی نژاها و دادخواه ها از آن سوی آب و... بودند که نظام را هدایت می کردند. تغییر واژه ها برای فریب مردم به کار گرفته شد. به جای سرمایه داری مالی یا نولیبرالیسم "تعدیل ساختاری و خصوصی سازی" را جایگزین کردند. دلال و سرمایه دار را کارآفرین خواندند و... سرمایه داری جهانی توانست با این ترفند ایران را به نظام استثمارگر سرمایه داری برگرداند. زیرا اعتقادات دینی در ایران از مردم می خواهد که بر اساس برخی اصول مذهبی، هرگز خود نیندیشند، زیرا در این باور، مردم عوامند و صلاحیت اندیشیدن ندارند، حتی دانش آموختگان آنها. لذا نمی توانند خود قدرت را به دست بگیرند و جامعه را با دموکراسی اداره نمایند. مردم بر این اساس می باید اندیشیدن را به مراجع و اگذا کرده و اطاعت کور را پیشه بنمایند، از این رو و به دلیل این اعتماد کور هرگز نه از خود، و یا از دیگری نپرسیدند، که تعدیل ساختاری چه معنایی دارد. قانون زدایی که اصل مهم این مناسبات است، چه سرشتی دارد؟ این مردم نمی دانستند و اکثریت آنها هنوز هم نمی دانند که چه اصول اقتصادی را پذیرفته اند. (امام جمعه تهران در روز جمعه ۱۳ اردیبهشت اعلام کرد: چرا دولت با وجود "قانون" جلوی گرانی را نمی گیرد؟ نقل به مضمون) این پرسش از دولت تعدیل ساختاری و خصوصی سازی در حالی است که همه بدون چون و چرا این نظام اقتصادی را تایید کرده اند، تعجب آور است!! زیرا این مناسبات اقتصادی دولت را از هرگونه مسوولیت اجتماعی برای کاربردی کردن اصل های مردمی قانون اساسی خارج کرده است، و تنها مسوولیت دولت در قبال جامعه را، پاسداری از نظام اقتصادی تحمیلی صندوق بین المللی پول می داند، نه نظارت بر اجرای قانون. آن هم به هر قیمت و بدون تردیدی. پاسداری از نهاد آمریکایی که هر هفته در روزهای جمعه در نمازهای جماعت، به ظاهر، بر دهانش مشت می کوبند ولی در واقع دولت های پس از

جنگ نوکرمنشانه راه اقتصادی ش را در ایران عملی می کنند. دنیایی سراسر وارونه و حاکمیتی که پس از جنگ ۸ ساله، کاملاً وابسته به اقتصاد آمریکایی صندوق بین المللی پول شده است. در هر صورت، سرمایه داران تخته پرش برای بازگشت سرمایه داری به ایران را یافتند و اینک مدت سی سال است که آن را در ایران به صورت خزنده و این اواخر با شک درمانی، کاربردی می کنند. و طبق این اصول مالی غیرقانونی، صدای مخالفان را، از راه های مختلف خفه می کنند. حتی تظاهرات آرام کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان و جوانان دانشجو در اول ماه مه ۹۸ را، وحشیانه سرکوب نمودند.

این بار فراماسیونرهای قرن نوزدهم با مهری بر پیشانی و در پوشش مذهب راه را برای سرمایه داری جهانی هموار کرده اند، البته با یاری اندیشه ی نولیبرالی استادان آمریکایی دانشگاه های ایران و نشریات رنگارنگی که وجه مشترک آنها توهین و تحریف مبارزات کارگران ایران از مشروطه تا به امروز است. در واقع مافیای رسانه ای ضد چپ، پا به پای خفقان پیش می رود. می توان مدعی شد، روند آمریکایی کردن مدعیان اسلام ناب محمدی با موفقیت هم چنان در حال کاربردی شدن است. آنها در تدارک تبدیل این مدعیان به عوامل حقیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اند و تا به امروز هم موفق هم بوده اند و بسیاری از روحانیون و نیروهای نظامی را به سرمایه داران میلیارد ها دلاری بدل کرده اند. در حقیقت، پنجاه شصت سال مطالعه مذهبی این آقایان با سی سال روند خزنده نولیبرالی، به باد فنا رفته است. همین طور منابع ایران و محیط زیست آن را نابود کرده اند. رودخانه ها را خشک و دریاچه ها را به نمک زار بدل نموده اند، جنگل ها را به فروش رسانده اند، تا یک بارندگی به سیلی بدل گردد که هستی مردم را به تاراج ببرد. بیکاری به بیماری لاعلاج جامعه بدل شده و جوانان دانش آموخته یا باید تا دوران پیری سربار خانواده باشند و یا آنهایی که توانایی مالی یا توان فوق العاده علمی دارند راهی غرب شوند. ولی آن عاملی که این امکان را برای سرمایه داری وطنی و جهانی فراهم کرده سواستفاده عوامل امپریالیسم از اعتقادات مردم ایران و طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه است. درست مانند کودتای دوم رضاخان بر علیه قانون اساسی مشروطه ایران (ماده ۱۰) و ازمیان بردن آزادی سیاسی احزاب و اعتقادات در ایران (کودتای اول بر علیه دولت قاجاریه و به سلطنت رسیدن این سرباز بیسواد بود) طرح نظریه ولایت مطلقه فقیه برخلاف اصل سوم قانون اساسی همین عملکرد را از سال ۶۸ در ایران کاربردی نموده است.

خصوصی سازی و تعدیل ساختاری و ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که زمینه رشد دلالی را توسعه داده است، ما را به امروز رسانده و شرایط اقتصادی را برای ایران و ایرانیان آن چنان بحرانی کرده که سردمدارمناسبات اقتصادی نولیبرالی در ایران آقای نیلی به نام برجام دوم شرایط را بحرانی اعلام کرد، و چون اخطار دوم ایشان هم ندیده گرفته شد، از مشاور ارشد رییس جمهوربودن، استعفا دادند، تا با این ترفند ایدیولوژی و مناسبات اقتصادی نولیبرالی را از زیر ضربه آینده مردم خارج کنند و خیانت این اقتصاد دانان به انقلاب مردمی ایران را از نگاه مردم جان به لب رسیده، بزدایند. ایدیولوژی و مناسباتی که انقلاب و زندگی را نه فقط در ایران بلکه در همه جهان برای کارگران و حقوق بگیران به نابودی کشانده است. ولی هنوز برخی از مردم ساده اندیش تحت تاثیر تبلیغات مافیای رسانه ای ضد چپ علمی، و مدعی " مدرن " ، مسایل جهانی را به درستی درک نمی کنند، از این رو علت شکست انقلاب مردمی در ایران را در اتحاد مشروط این و آن حزب و گروه سیاسی با روحانیون می پندارند. و با همه وجود، این توهم را تبلیغ می کنند. زیرا باور ندارند، در کشور ما با این همه منابع بزرگ ثروت، تا زمانی که مردم ش و پیشگامان روشن اندیش شان، در تفرقه می رزمند و از یک شناخت علمی - طبقاتی برخوردار نیستند و برای کسب آن، تلاشی نمی کنند، امپریالیسم علاوه بر اینکه دست از سر ما بر نخواهد داشت، همه ترفند هایش، برای مسخ دستاوردهای مبارزات مردم، به نتیجه ای مطلوب برای سرمایه داری منتهی خواهد شد.

ما می توانیم ایران را به پیش ببریم و آزادی و استقلال آن را کاربردی بنماییم، مشروط بر این که در عمل به اتحاد بیندیشیم و با شناخت علمی به مبارزه دست بزنیم و اندیشه های رنگارنگ و ضد و نقیص طبقه متوسط متزلزل مانند شبه نظریه های دیروزی و امروزی روشنفکران واپس گرایی هم چون نگرش های شریعتی، جلال آل احمد و چپ های مدرن سترون امروزمین را، به مانند سلطنت، به زباله دان تاریخ ببندازیم.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخنگو ناصر آقاجری

۱۵ اردیبهشت ۹۸

بمناسبت یکصدمین سال تاسیس سازمان بین‌المللی کار ILO

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ بعد از جنگ جهانی اول و عمدتاً تحت تأثیر انقلاب کارگری در شوروی که معادلات جهانی را بنفع طبقه مزدبگیر تغییر داد، ایجاد شد.

این سازمان که از زیرمجموعه‌های سازمان ملل متحد به حساب می‌آید هر ساله کنفرانسی در ماه ژوئن برگزار می‌کند.

امسال، صد و هشتمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار (ILO) از دهم تا بیست و یکم ژوئن (۲۰ تا ۳۱ خرداد) در ژنو برگزار می‌شود.

بنا به تعریف قرار است در این سازمان حقوق بنیادین کارگران دنبال و برای احقاق آن قوانین و مقرراتی تدوین شود. اما عملن بعد از گذشت ۱۰۰ سال، این سازمان علیرغم تدوین قوانین و مقررات برای به سامان آوردن روابط کار، تأثیرچندانی در وضعیت طبقه مزدبگیر جهانی نداشته و دولت‌ها در راستای منافع سرمایه، برای اجرای قوانین و مصوبات آن تلاشی نمی‌کنند. آنچه که بهبود شرایط مزدبگیران جهان را نسبت به صد سال پیش نشان می‌دهد عمدتاً ناشی از مبارزات مستقیم و نتیجه کشمکش‌های پیروزمند آنان با کارفرمایان و دولت‌هایشان بوده است.

تدوین استانداردهای جهانی بدون ضمانت اجرایی از طرف کشورهای عضو و بدون تشکلات مستقل و قدرتمند مزدبگیران، عملن نتایجی برای بهبود معیشت نیروی کار نخواهد داشت.

امسال نیز طبق معمول، در غیاب تشکلهای مستقل و بدون نمایندگان واقعی کارگری، نمایندگان حکومتی از سه گروه کارگری، کارفرمایی و دولت از ایران به اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار می‌روند.

در ایران ، درحالیکه طبقه مزد بگیر بدترین شرایط و فشارهای معیشتی را طی ۴۰ سال اخیر تجربه میکند و با وجود لشکر میلیونی بیکاران شرایط سختی را میگذراند، رویکرد سیاستهای سرمایه داری بازار آزاد و شتاب گرفتن اجرای آن توسط دولت، باقیمانده دستاوردهای مبارزات پیشین طبقه کارگر را بطور مستمر مورد تعرض قرار میدهد.

طبقه کارگر در ایران با همه فشارها و سرکوب ها ، برای بهبود شرایط زندگی خود همواره مقاومت و مبارزه کرده و در حالی یکصدمین سالگرد سازمان جهانی کار برگزار میشود که نیروی کار ایران بدون حمایت این سازمان جهانی، در سخت ترین وضعیت معیشتی خود، در اوج کشمکش با سرمایه داری حاکم بر ایران مطالبات خود را دنبال کرده و در این راه با احضار و بازداشت و حبس فعالین خود، هزینه سنگینی را تحمل میکند .

پی نوشت: زحمتکشان و مزد بگیران ایران گرچه امید چندانی به این سازمان های تحت کنترل حکومتها و نهادهای سرمایه داری جهانی ندارند و می بینیم که در چنین شرایطی نمایندگان دولتی ایران در ترکیب هیات ریسه سازمان بین المللی کار قرار میگیرند! ، اما با اتکا و پشتگرمی به مبارزات خود، در اعتنا به تریبون های بین المللی برای انعکاس صدای این طبقه بزرگ اجتماعی ، رویگردان نیست.

طبقه کارگر زمانی به خود خواهد بالید که هدف خود را از کار کردن و کسب درآمد، و نتیجه کار خود را در آثار ماندگار خود (فرزندان طبقه کارگر عالیترین فرزندان خود که همانا دانشمندان تمامی علوم می باشد) متجلی کرده و به معنای واقعی کلمه کار ساده تولید شده طبقه کارگر تبدیل به کاری در عالیترین درجه باشد.

ویژگی های یک کوشنده کارگری!

بسیار شنیده ایم که برخی از رهبران کارگری مبدل به اسطوره ای در عصر خود شده اند و کارگران تا حد فدا کردن جان خود آنان را گرامی می داشتند از جمله سید محمد دهگان رییس اتحادیه مرکزی کارگران ایران در زمان رضاشاه، رضا روستا دبیرکل شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، علی امید رهبر بی بدیل کارگران نفت در خوزستان از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۳۲، حسین سمنانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش در دهه ۳۰ و ۴۰، آقای طبرسی دبیر نام آور سندیکای کارگران بافنده سوزنی در دهه ۵۰ و ۶۰ و.....

سید محمد دهگان درس خوانده روسیه بود و در آنجا عشق به زحمتکشان را در میان روشنفکران طبقه کارگر به خوبی فرا گرفت. او در باکو در منزل کارگران نفتگر ایرانی که در باکو برای کار آمده بودند خلق و خوی و رفتار و مشکلات کارگر ایرانی را درک کرد و در ایران این تجربه را به کار بست. دهگان بنیان گذار روزنامه "حقیقت"، ارگان اولین اتحادیه های کارگری ایران بود. او در دفتر روزنامه نمی نشست تا در مورد کارگران بنویسد و یا آنان را سازماندهی کند، بلکه به میان کارگران رفته با آنان هم صحبت شده، هم غذا می شد و برایشان از اتحاد کارگری و سازماندهی سخن می گفت. به کارگاههای پارچه بافی، چاپخانه ها، نانوائی ها، کارگاههای ساختمانی سر می زد با کارگران پیگیرانه مسایل کارگری را پیش برده و با رفتار انسانی و کارگری خود می آموخت که جز اتحاد و تشکیلات کارگری راهی برای زحمتکشان وجود ندارد. بسیاری از مواقع تهدید، توهین و حتا بازداشت و زندانی شد، اما در آرمان های کارگریش خللی وارد نیامد. نه اسم مستعار داشت و نه خانه اش را از کسی پنهان می کرد، بلکه همه خانه اش را می شناختند و این را کارگران باور کرده بودند که می توان به در خانه اش رفته

از او یاد بگیرند و یا کمک حالشان حتا برای مسایل خانواده گیشان باشد. او در عمل نشان داد که میتوان به او اطمینان داشت.

سید محمد دهگان رهبر اتحادیه های کارگری از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ در زمان رضاشاهی که هیچکس جز خود را بر نمی تابید و تحمل نمی کرد و به شکنجه و قتل رهبران کارگری دست می زد، بود. او توانسته بود ۶ هزار کارگر را در اتحادیه مرکزی که متشکل از بیش از ۳۰ اتحادیه بود متحد و یکپارچه سازد. از آموزگاران تا نوکران خانه ها، از درشگه چی ها تا کارگران چاپخانه ها، از دلاک های حمام تا نسخه پیچ های داروخانه ها... او در عمل نشان داد که یک اتحادگرا و یک چپگرا به معنای واقعی کلمه است.

او زندگی سختی داشت و قلدری رضاشاه بر این سختی می افزود. کارگزاران انگلیسی و دست نشاندگانش در ایران در او کارگری سازماندهنده و فداکار دیده بودند. ناخوشی اش را درمان نکردند تا بمیرد، اما پایه های استواری که او در آموزش و سازماندهی کارگران گذاشت پس از فرار مذبوحانه رضاشاه در مهر ۱۳۲۰، خود را نشان داد و به درخت تناوری تبدیل شد که در سال ۱۳۲۵ شصت هزار کارگر در جشن اول ماه مه در ایران شرکت کردند.

فروتنی، عشق به آرمان های کارگری، زندگی توأم با تلاش برای گذران زندگی خانواده و در همان حال بهبودی وضعیت طبقه کارگر، فرا گرفتن از کارگران و آموختن به آنان، درس هایی است که می توان از او فرا گرفت و به کار برد. او به حق یک رهبر واقعی جنبش کارگری بود. او در مهر ۱۳۲۰ هنگامی که جنبش کارگری ققنوس وار سر از خاکستر بر می داشت در بیمارستانی در همدان جاودانه شد.

مازیار گیلانی نژاد خرداد ۱۳۹۸

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

درختان توت

همشهریان بزرگوام درود بر شما، چند روزی ست توت ها رسیده اند. در بیشتر خیابانها و شهرکها ترافیک بوجود آورده و همه جا شیره شیتینگ شد. من یک پیشنهادی دارم. می دانم عده ای می گویند: «گنده کازیم سه نه نه سن نچه دن بیرسن؟؟» اما اگر شهرداری محترم منطقه ای از شهرمان را انتخاب می کردند و چندین درخت توت در آنجا می کاشتند الآن چقدر زیبا می شد. هم برای تعدادی درآمد داشت، هم میوه هایش حیف و میل نمی شد، هم مردم از میوه هایشان استفاده می کردند، هم تاریخ می زدند صدها سال پایدار می ماند.

اما در اکثر کارها در عجبشیر خیانت شده است: کمربندی، مسکن مهر، فلکه صاحب الامر و.....

کازیم عاشقی یک نفر شهروند فضول

برادران کارگر!

کسی چیزی برای از دست دادن ندارد. شما چه بسا نمی توانید لباسی را ببوشید که خودتان می دوزید. نمی توانید کفشی را ببوشید که خودتان می دوزید. در خانه ای نمی توانید زندگی کنید که خودتان ساخته اید. آنها دارا می شوند و شما همچنان پابرهنه باقی مانده اید. تاکنون برای منفعت دیگران کار کرده اید. هرچه وجود دارد را شما درست کرده اید اما نفعی از آن نمی برید. عرق جبین و سوی چشم شما تبدیل به ادارات و ساختمان هایی می شود که افراد داخل آن شما را استثمار می کنند. این بهره کشی و زجر دیگر کافی ست. «عزیز نسین»

آموزش های سندیکایی

سندیکا سازمان طبقاتی زحمتکشان

سندیکای کارگری در مفهوم کلی یک تشکل پایه ای طبقه کارگر در تمام واحدهای تولیدی و خدماتی است که وظیفه آن متشکل کردن کارگران در دفاع از منافع آنان و همه زحمتکشان است. بنابراین سندیکاهای کارگری یک سازمان طبقاتی کارگران محسوب می شود.

این ویژگی یعنی سازمان طبقاتی بودن زمانی معنا پیدا کرده و صورت واقعیت به خود می گیرد که برمواضع طبقه کارگر تکیه نموده و پیگیرانه، اصولی و به دور از هرگونه سازشکاری از منافع طبقه کارگر در برابر استثمارگران و دولت های سرمایه داری دفاع کند. این واقعیت را نباید فراموش کرد که در جنبش سندیکایی برخی بینش ها و دیدگاه های رفرمیستی و انحرافی وجود دارد که باید در برابر آن ها هوشیار بود. زیرا چنین دیدگاه ها و نظراتی (بینشی) می تواند سندیکاهای کارگری را از مضمون طبقاتی آن تهی سازد. از جمله این دیدگاه ها و بینش های انحرافی و رفرمیستی می توان به گرایش های زیر اشاره کرد:

۱ - گرایش دایمی به سازشکاری با کارفرما که در عمل به زیان منافع زحمتکشان و به همکاری با کارفرمایان منجر می شود؛

۲ - هواداری از نظریه همکاری با کارفرمایان و دولت های سرمایه داری و چشم بستن بر مطالبه های بنیادی زحمتکشان در دست یابی به رشد و توسعه پایدار و عدالت اجتماعی؛

۳ - محدود ساختن فعالیت طبقه کارگر به مطالبه های صرفاً اقتصادی که به کارفرمایان و به دولت های سرمایه داری این امکان را می دهد که تسلط سیاسی و ایدئولوژیک خود را بر زحمتکشان حفظ کنند.

(توضیح ضرور: در این زمینه می توان به نقش بارز جنبش سندیکایی زحمتکشان آفریقای جنوبی در زمان مبارزه علیه آپارتاید، مبارزه سندیکا‌های کارگری فرانسه در دوران جنگ دوّم و اشغال این کشور توسط آلمان فاشیستی و نیز مبارزه دلیرانه شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران در دوره جنبش ملی شدن صنعت نفت اشاره کرد. این تجربیات به خوبی خط بطلان بر گرایش رفرمیستی و محدود کردن مبارزه طبقه کارگر به صرفاً مسایل اقتصادی است)

با این حال و علی رغم تمام تلاش های کارفرمایان و دولت های سرمایه داری در تقویت و ترویج این دیدگاه ها و بینش های رفرمیستی و سازشکارانه، بینش و دیدگاه طبقاتی درباره سندیکاها همه جا در میان کارگران رشد و تقویت یافته است. شاهد این امر، همانا رشد مبارزات زحمتکشان در مجموعه کشورهای سرمایه داری و وجود سازمان های فراگیر و مستقل کارگری در سراسر جهان است. (توضیح ضرور: در مبارزات زحمتکشان اروپا علیه سیاست های ریاضت اقتصادی دیکته شده از سوی کمیسیون اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا و صندوق بین المللی پول در سال های اخیر شاهد رشد بینش طبقاتی در سندیکا‌های اروپایی هستیم) بنابراین در مبارزات سندیکایی همواره باید بینش و دیدگاه طبقاتی را تقویت کرد. سندیکا به عنوان سازمان طبقاتی کارگران و زحمتکشان در عین حال یک سازمان توده ای فراگیر نیز هست.

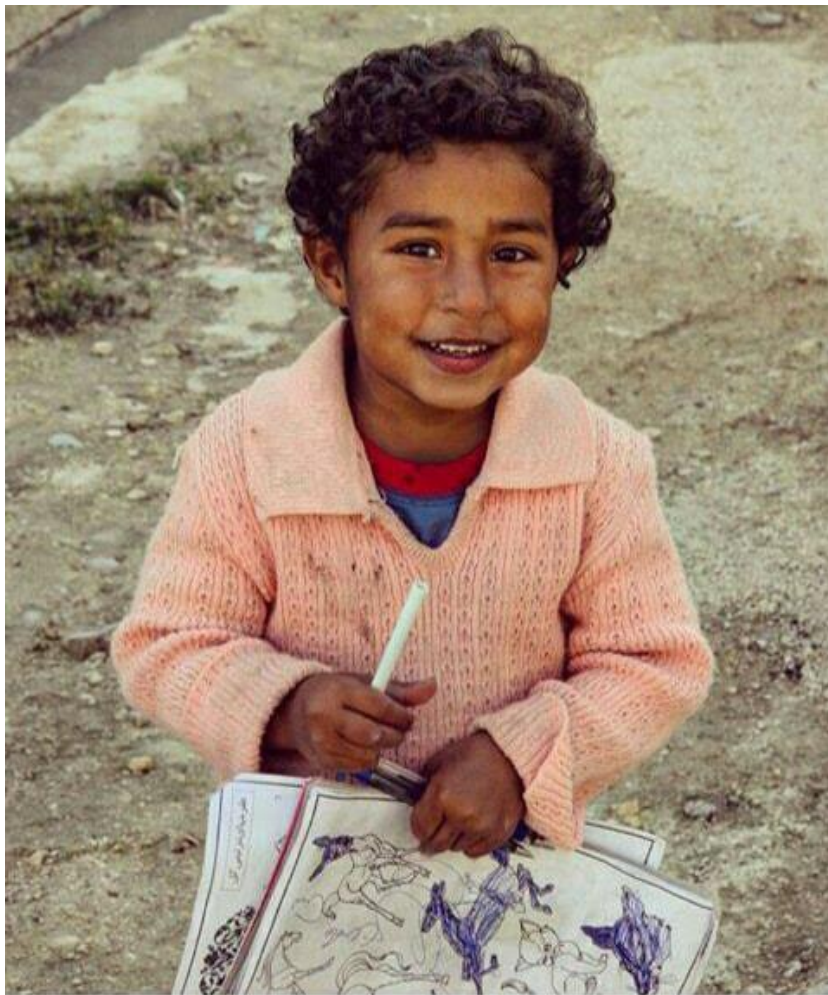
تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران از آغاز تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ (۵)

در مرحله اول، یعنی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶، زمانی که جنبش سندیکایی و اتحادیه ای کارگران ایران از امکان فعالیت علنی برخوردار بود، طبقه کارگر ایران به سرعت مراحل تشکیل یابی و دستیابی به آگاهی صنفی و سیاسی را پشت سر گذاشت. با پیدایش کارگران صنایع ماشینی و افزایش تعداد زحمتکشانی که به بازار کار سرمایه داری جلب شده بودند و نیز با بهره گیری از تجارب مبارزات کارگران ایران در گذشته و همچنین با استفاده از تجارب جهانی سندیکایی، جنبش سندیکایی و اتحادیه ای ایران در طی مدت کوتاهی یعنی در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ قدمهای بزرگی به جلو برداشت. ابتدا اولین اتحادیه ها و سندیکاهای کارگران شکل گرفتند؛ سپس تشکل کارگران و زحمتکشان در سازمانهای وسیع سندیکایی و اتحادیه ای حرفه ای عملی شد؛ در مرحله بعدی «شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران» در سال ۱۳۲۱ با ۳۰ هزار عضو تاسیس شد و سرانجام «شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران» در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۳۲۳ از تجمع ۴ مرکز سندیکایی، که بیانگر وحدت سازمانی جنبش سندیکایی در ایران بود، اعلام موجودیت کرد. این امر به نوبه خود تشکل سندیکایی کارگران را سرعت بخشید، به نحوی که بزودی کارگران صنایع نفت موفق به تشکیل سندیکای خود به نام «اتحادیه کارگران نفت خوزستان» شدند و به «شورای متحده مرکزی» پیوستند. بدین ترتیب وحدت کامل جنبش سندیکایی ایران در سراسر کشور عملی شد و بیش از ۳۰۰ هزار نفر از کارگران ایران زیر پرچم «شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران»، به عنوان مهمترین سازمان سندیکایی ایران و خاورمیانه، گرد آمدند.

پیدایش حیات، ظهور و تکامل انسان (۲۷)

از بیست و پنج موجود تک سلولی که انگل میمون‌ها هستند، هیجده نوع آن در انسان نیز یافت می‌شود، حال آن که وجود این انگل‌ها در سایر حیوانات ثابت نشده‌اند. نزدیک بودن خواص خون انسان از لحاظ شیمی حیاتی (بیوشیمی) با میمون‌های آدم‌نما نیز مهم است. نمونه این نزدیکی عبارت از رسوب تقریباً یک سان آلبومین در آزمایش‌های سرم خون و شباهت گروه‌های خونی است. انسان دارای چهار گروه خونی است. از میان پریمات‌ها فقط میمون‌های آدم‌نما دارای چهار گروه خونی هستند گرچه در بعضی از میمون‌های پست‌تر چنین شباهتی دیده می‌شود. در موارد بسیار خون شمشیرها مختلف را که از گروه A بود به انسان‌هایی که خون‌شان از همان گروه بود تزریق کردند و هیچ عواقب ناسازگاری مشاهده نشد. سلول ماده (اول) و سلول نر (اسپرماتوزوید) از لحاظ شکل و اندازه در شمشیرها و گوریل با انسان تقریباً غیرقابل تشخیص است. جنین رشد کرده میمون‌های آدم‌نما به جنین رشد کرده انسان بیشتر شباهت دارد. دوران آبستنی شمشیرها از ۲۱۰ تا ۲۵۲ روز و به طور متوسط تقریباً ۲۳۵ روز و اورانگوتان در حدود ۲۷۵ روز و انسان ۲۶۵ تا ۲۸۰ روز طول می‌کشد. تمام میمون‌ها و انسان ۳۲ دندان دائمی دارند. در بچه شمشیرها تمام ۳۲ دندان دائمی خود را در دوره‌ای که اندکی بیش از ۱۰ سال است در می‌آورد. دندان‌های عقل در انسان خیلی دیرتر از دیگر دندان‌ها در می‌آیند و رشد می‌کنند. این دندان‌ها نسبت به آسیاهای کوچک ریخت نامشخص تری دارند و تا حد زیادی ناقص و اولیه هستند. در برخی از مردم یک یا دو دندان عقل هرگز در نمی‌آیند و در موارد نادر سه یا حتی هر چهار دندان عقل اصلن در نمی‌آیند. یک نمونه‌ی واقعی و عینی آن این است که همسر چهار دندان عقل را اصلن ندارد. دلیل دیگری در اثبات نسل انسان از انواع میمون‌های آدم‌نما، از بررسی دندان‌های شیری به دست می‌آید. دندان‌های شیری در انسان و همه‌ی میمون‌های برقدیم ۲۰ عدد است. در هر نیمه آرواره دو دندان پیشین،

يك نیش و دو آسیا وجود دارد. دوره افزایش وزن بچه شامپانزه تقریباً مشابه كودك انسان است. شامپانزه ماده در ۸ تا ۱۰ سالگی و نر در ۱۲ سالگی بالغ می‌شود. گوریل ماده در چهارده سالگی و حتا دیرتر به سن بلوغ می‌رسد. دوره قاعدگی شامپانزه در حدود ۳۰ روز است. قفسه سینه انسان شامل ۱۲ جفت دنده و يك استخوان جناغ است که فقط هفت جفت از دنده‌ها به آن متصل می‌شوند؛ دنده‌های هشتم و نهم و دهم به دنده هفتم وصل می‌شوند و به وسیله غضروف‌های دنده‌ای به يك دیگر متصل می‌گردند، دنده‌ها یازدهم و دوازدهم (دنده‌های آزاد) در جلومتصل نیستند و خیلی کوتاه‌اند، مخصوصن جفت دوازدهم که پدیدهای خاص پریمات‌ها و انسان است. در جنین انسان سیزده جفت دنده وجود دارد، این خصوصیت انسان را به شامپانزه و گوریل نزدیک می‌کند، اما گوریل و شامپانزه این تعداد را در سن بلوغ هم حفظ می‌کنند (دوازده جفت در گوریل بیشتر از شامپانزه دیده می‌شود) دنده‌های سیزدهم در جنین ناچیز است. بعضی از افراد بالغ دارای سیزده جفت دنده هستند و يك جفت (یا يك) دنده‌ی اضافی معمولن از نخستین مهره کمری و ندرتن از هفتمین مهره گردنی سرچشمه می‌گیرد. در هلند يك مورد دیده شده که سیزده جفت دنده در چند نفر از افراد يك خانواده بوده است. اشتقاق انسان از گروه پینکوس‌ها فقط در اشخاص بالغ ظاهر نمی‌شود مثلن قدرت گیرندگی و چنگ شوندگی دست‌های نوزادانسان شگفت‌انگیز است؛ زیرا بچه می‌تواند تا مدتی با انگشتان گیرنده‌ی خود به چوب یا با انگشت کسی آویزان شود. محققین ثابت کرده‌اند که اگر انگشت شست طفل یکساعته تا يك ماهه را، با انگشت و یا چوبی که دو سانتی متر ضخامت داشته باشد، می‌تواند به مدت ۱۰ ثانیه در هوا آویزان بماند. طفلی که تازه متولد شده قادر است ۳۰ تا ۶۰ ثانیه در هوا آویزان بماند. اطفالی که عمرشان سه هفته است توانایی شان در این باره از همه بیشتر است. اکثر آن‌ها می‌توانند يك دقیقه ونیم و بعضی تا دو دقیقه وسی و پنج ثانیه آویزان بمانند. اطفال با پای خمیده‌ای که زاویه‌اش نسبت به بدن قائمه است در هوا می‌مانند و هیچ‌گونه ناراحتی از خود نشان نمی‌دهند، فقط هنگامی که نیروی مقاومت‌شان تحلیل می‌رود، فریاد سر می‌دهند.



چند مداد رنگی دوست دارم داشته باشم

..میدانم پول ندارم...

بابا بیکار است

و مامان گفت نان مهم تر است...



دوچرخه سواری برایش ممنوع است اما هل دادن چارچرخ
فقر برایش آزاد است